



کنکاشی در آخرین روزهای بازگشت امام به تهران

غلامرضا خارکوهی^۱

اشاره

درباره سوابق و مقدمات بازگشت حضرت امام به میهن اسلامی متأسفانه کمتر مطالعه و پژوهش صورت گرفته است. لذا این مقاله شاید از جمله بررسی‌های نادری باشد که می‌تواند هم نسل جدید را با این موضوع آشنا نماید و هم به عنوان طرح مسئله مورد توجه و تعمق محققان تاریخ انقلاب و علوم سیاسی قرار گیرد. در این مقاله ضمن اشاراتی به سوابق احتمالی بازگشت امام در اواسط مهرماه سال ۵۷ پس از اخراج از عراق، به بررسی تفصیلی این مسئله در دوره زمانی ۲۶دی تا ۱۲بهمن سال ۵۷ که بازگشت امام قطعیت یافت، پرداخته‌ایم. به عبارت دیگر این مقاله تأملی است بر یکی از مهم‌ترین رویدادهای مؤثر در سقوط نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران.

کلیدواژه‌ها: خروج یا فرار شاه، بازگشت امام خمینی، مبارزات مردم ایران، وحدت، ارتش، نوفل‌لوشاتوی فرانسه، امریکا، ساواک، تهران، فرودگاه مهرآباد، محمدرضاشاه پهلوی، شاهپور بختیار

۱. تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی

تکاپوی‌های بازگشت امام و تدابیر پیش‌گیرانه

حضرت امام از همان روز نخست که در ۱۳ آبان سال ۴۳ به اجبار رژیم شاه، دستگیر و به ترکیه و سپس به عراق و بعد هم به فرانسه تبعید شد، همواره در صدد بازگشت به ایران بوده است، تا از درون کشور و در کنار مردم انقلابی به مبارزات خود علیه حکومت پهلوی ادامه دهد. اما شاه و سازمان‌های امنیتی، سیاسی و نظامی او هرگز اجازه بازگشت او و یارانش را به ایران نمی‌دادند و در صورت ورود خود و طرفدارانش بازداشت و روانه زندان می‌شدند.

رژیم از این که امام وارد ایران شود به شدت هراس داشت. چنان که وقتی در اوایل مهر سال ۵۷ مسئله اخراج امام از عراق مطرح شد و رژیم صدام با همدستی حکومت ایران فشار زیادی برای خروج او از نجف به عمل آورد و دولت کویت نیز حاضر به پذیرش امام نشد، دستگاه امنیتی شاه ضمن بررسی ابعاد مختلف این موضوع و احتمال ورود امام به ایران، گزارش مفصلی تهیه و برای مطالعه شاه ارسال نمود که بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در بخشی از این گزارش به اصطلاح شرف عرضی چنین آمده است:

در صورتی که [امام] خمینی تصمیم به مسافرت و اقامت در ایران بگیرد، آزادی او، حتی برای یک روز هم مصلحت نیست. زیرا این فرصت را به گروه‌های مخالف و مخرب می‌دهد که گرد او جمع شوند و تشجیع گردند و در عمل جنگ خانگی به وجود آورند. بنابر این در صورت وقوع چنین امری یعنی ورود [امام] خمینی به ایران، موارد زیر می‌تواند دافع وقوع حوادث نامطلوب باشد:

۱. به مرزهای ورودی کشور، اعم از هوایی و زمینی در تهران، خسروی، خرمشهر، آبادان و شیراز آماده‌باش داده شود که در صورت ورود خمینی به داخل کشور، او را متوقف نموده و از تماس او با افراد غیر مسئول، جداً جلوگیری نمایند.

۲. بلافاصله از مرز ورودی به وسیله هواپیما یا هلی کوپتر به یک پادگان نظامی مطمئن در تهران منتقل و تحت مراقبت شدید قرار گیرد.

۳. از سوی واحدهای نظامی و انتظامی در سراسر کشور، به منظور جلوگیری از بروز حوادث نامطلوب و سرکوبی اقدامات اخلاص‌گرانه آماده‌باش برقرار و پیش‌بینی‌های لازم به عمل آید. در صورت بروز آشوب‌های پر دامنه در هر نقطه، حکومت نظامی برقرار شود و به

اخلا لگران و عناصر آشوب طلب، فرصت بهره برداری داده نشود.

۴. آیات و مراجع مقیم کشور که به استثنای چند نفر معدود از آنها، عموماً در باطن با [امام] خمینی مخالفاند، نسبت به حساسیت موضوع، توجیه شوند تا بر اثر ترس از ایادی وی و یا ملاحظات و محظورات دیگر، دست به اقدامات حساب نشده‌ای نزنند.

۵. کلیه طرفداران و ایادی شناخته شده [امام] خمینی در نقاط مختلف کشور بلافاصله دستگیر شوند. تا مجال انجام تحریکات مضره و ایجاد اغتشاش پیدا نکنند.^۱

بنا به اسناد ساواک تهران - مورخ ۱۷ مهر سال ۵۷ - حتی عکس و مشخصات امام به کلیه مرزهای هوایی و دریایی بحرین فرستاد شده بود، مبنی بر اینکه نامبرده ممنوع‌الورود است و حق ورود به کشور بحرین را هم ندارد.^۲

باز ساواک تهران دو روز بعد (۱۹ مهر) دستور داد در صورت ورود امام به ایران، «خود و همراهانش بایستی بلافاصله و بدون فوت وقت با هواپیما یا هلی کوپتر نظامی به مرکز اعزام شوند.»^۳

به دنبال آن در همین روز طی بخشنامه‌ای محرمانه، اعلام شد که کارمند مسئول ساواک در هر فرودگاه موظف است قبل از نشستن هر یک از پروازهای خارجی در فرودگاه، حاضر باشد تا پس از فرود هواپیما بلافاصله به داخل آن مراجعه کرده و به طور غیر محسوس مسافرین را چک نماید تا چنانچه امام خمینی در هواپیما بود، کلیه مسافرین را پیاده و نامبرده را در هواپیما نگهداری نموده و سپس با یک فروند هواپیما یا هلی کوپتر نظامی به مرکز اعزام، و چگونگی را در اسرع وقت تلگرام نمایند.^۴

علاوه بر این ظاهراً رژیم شاه نقشه دیگری هم برای به دام انداختن امام در سر داشت و آن اینکه امام را سر مرز عراق بازداشت نمایند و مخفیانه با هلی کوپتر به جزیره کیش ببرند و زندانی نمایند و بدون آنکه کسی از سرنوشت امام اطلاعی در دست داشته باشد، او را به شهادت برسانند یا این که با پنهان کردن او مانع از فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی اش شوند. حجت‌الاسلام علی آل کاظمی در این باره می گوید:

۱. آئینه/آفتاب، تبیان اندیشه امام خمینی در کلام و پیام حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، خرداد ۱۳۷۴، ص ۱۲۳.

۲. سیر مبارزات امام خمینی در آئینه/اسناد به روایت ساواک، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۶، ج ۲۱، ص ۶۳۹.

۳. آئینه/آفتاب، همان، ص ۱۲۵.

۴. همان.





در سال ۵۷ که حضرت امام قصد عزیمت از عراق به کویت را داشت، چند ساعتی در مرز کویت توقف داشتند. اما دولت کویت اجازه ورود به امام نداد. رژیم شاه با مرزبانی عراق هماهنگی می‌کند تا با اعزام یک هلی‌کوپتر به مرز، امام را تحویل بگیرد و برای همیشه به جزیره کیش تبعید نمایند تا تحت نظر کامل باشد.

از این موضوع به واسطه یکی از افسران انقلابی که از قبل با او آشنا بودم، و من در آن زمان در مشهد بودم، مطلع شدم.

موضوع هم از این قرار بود که خسرو داد که یکی از خلبانان و افسران طاغوتی بود با تعدادی از فرماندهان در هوانیروز کرمانشاه جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و این افسر انقلابی هم که عضو اطلاعات ارتش بود و در آن جلسه حضور داشت از ماجرا با خبر می‌شود، فوری به واسطه شخص دیگری به من خبر می‌دهند.

من از مشهد با چند نفر از علما همچون آیت‌الله شیرازی، آقای فلسفی در تهران و حاج آقا پسندیده در قم تماس گرفتم و خبر را به اطلاع آنها رساندم. آنها نیز با علمای بصره تماس می‌گیرند و می‌گویند چنین خطری امام را تهدید می‌کند به امام اطلاع دهید که امام سوار ماشین دولتی و نظامی نشوند. فوری از بصره به امام اطلاع می‌دهند و امام هم بدون وقفه به طرف بغداد حرکت می‌کند.^۱

البته وحشت رژیم شاه از بازگشت حضرت امام به ایران تا آخر ادامه داشت. چنانکه سپهبد مقدم رئیس سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) در تاریخ ۱۲ آذر سال ۵۷ طی نامه‌ای سرّی خطاب به رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران و رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری کشور خبر از احتمال بازگشت امام در ماه‌های محرم و صفر را داد و تأکید نمود در صورت ورود، وی دستگیر و به تهران منتقل شود:

نظر به اینکه امکان دارد خمینی در ماه‌های محرم و صفر از طریق یکی از مرزهای هوایی یا زمینی به کشور وارد شود، خواشمند است دستور فرمایید به فرماندهان نظامی کلیه شهرستان‌هایی که مرزهای هوایی و زمینی و دریایی دارند، هشدار داده شود، از هم‌اکنون در مرزهای ورودی آمادگی لازم داشته باشند تا به محض ورود یادشده، هر گونه ارتباط او

۱. صحیفه، ش ۵۰، ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی، تهران، دوشنبه ۱۳/۳/۱۳۸۱، ص ۱۴.

را بدو با افراد غیر مسئول قطع نموده، و با همکاری با سازمان اطلاعات و امنیت محل، وی را در اولین فرصت با هواپیما یا هلی کوپتر نظامی به تهران اعزام دارند.^۱



۱. سجاد راعی گلوچه، مبارزات/امام خمینی به روایت/اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۳۱.



فرودگاه مهرآباد، ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹:
آخرین سفر شاه آغاز می‌گردد

حتی دوستان و یاران و خانواده امام هم در صورت بازگشت در مرز بازداشت و زندانی می‌شدند. چنانکه وقتی پسر امام - مرحوم سید احمد آقا - سال‌ها قبل از نجف برگشت توسط مأموران امنیتی رژیم شاه دستگیر و حدود سه ماه زندانی شد.^۱

با وجود این روند مبارزات امام هیچ‌گاه متوقف نشد. حتی فرانسه که به دروغ مدعی «آزادی بیان» است برای ماندن امام در کشورش بارها از رژیم شاه اجازه گرفت و در اوایل ورود امام مانع از آزادی بیان و فعالیت‌های سیاسی ایشان می‌شدند. اما به تدریج متوجه شدند که قدرت و شهرت امام فراتر از مرزهای ایران - بلکه او یک چهره بین‌المللی -

است. لذا دیگر نتوانستند از مصاحبه‌ها و برنامه‌های فرهنگی ایشان ممانعت به عمل آورند. چون در غیر این صورت حیثیت شعار آزادمنشی و دمکراسی خواهی فرانسوی‌ها و غربی‌ها به شدت زیر سؤال می‌رفت.

بنابراین امام در تبعیدگاه جدید نیز همچنان رسالت الهی خود را برای بیداری و آگاهی سیاسی - مذهبی مردم ایران و افشای جنایات رژیم پهلوی ادامه داد و هر روز با انتشار و ارسال اطلاعیه، نوار سخنرانی، پیام‌های روشنگرانه و برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دیگر، ارتباط عمیق خود را با شبکه انقلابی درون کشور و مردم سراسر ایران و ایرانیان خارج کشور پویاتر و قوی‌تر نمود. به طوری که شعله‌های آتشی که از دی‌ماه سال ۵۶ با قیام ۱۹ دی طلاب قم روشن شده بود، آن چنان زبانه کشید که تا یک سال بعد، سراسر کشور را فرا گرفت؛ لذا شاه به اجبار از ترس جانش در ۲۶ دی‌ماه سال ۵۷ کشور را ترک کرد و هزینه رفتار ظالمانه نسبت به امام و مردم فداکار را با فرار خفت‌بار و سقوطش پرداخت. به دنبال خروج اشکبار شاه و همسر شریک جرمش، مردم مناطق مختلف کشور

۱. مجموعه آثار یادگار امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۴.

روند مبارزات امام هیچ گاه متوقف نشد. حتی فرانسه که به دروغ مدعی «آزادی بیان» است برای ماندن امام در کشورش بارها از رژیم شاه اجازه گرفت و در اوایل ورودش مانع از آزادی بیان و فعالیت های سیاسی او می شدند. اما به تدریج متوجه شدند که قدرت و شهرت امام فراتر از مرزهای ایران - بلکه او یک چهره بین المللی - است. لذا دیگر نتوانستند از مصاحبه ها و برنامه های فرهنگی او ممانعت به عمل آورند

با شنیدن این خبر به وجد آمدند و سر از پا نشناخته به خیابان ها ریختند و با پخش نقل و شیرینی و گل، این پیروزی را جشن گرفتند. به راستی که مردم در آن روز برای اولین بار پس از پنجاه سال غم و اختناق، خندیدند و از ته دل شادی نمودند و این جشن و شادمانی تا نیمه های شب در خیابان ها و مساجد کشور ادامه داشت.

حضرت امام خمینی بلافاصله در همان روز در ۲۶ دی، طی بیانیهای خروج شاه را اولین مرحله پایان یافتن سلطه جنایت بار ۵۰ ساله

رژیم پهلوی عنوان کرد و این پیروزی را به ملت ایران تبریک گفت و اعلام نمود به زودی دولت موقت انتقالی را معرفی می کند و در اولین فرصت به ایران باز خواهد گشت.^۱

بنابر این امام با فرار شاه، بستر لازم را برای بازگشت به میهن اسلامی و حضور در جمع مردم فداکار مساعد دید و با بازگشت خود ناقوس مرگ نهایی حکومت پهلوی را به صدا درآورد. لذا با وجود همه ناباوری ها و تمام تلاش هایی که در سطح بین الملل برای حفظ تاج و تخت رژیم شاه و جلوگیری از موفقیت امام خمینی به عمل آمد، انقلاب اسلامی در مرحله نخست مبارزات خود پیروز گردید و از این جهت پیروزی آن بیشتر به یک معجزه می ماند تا تحول عادی.

به جز امام خمینی و توده های بی شماری که خارج از تحلیل های معمول، به گفته ها و وعده های امام باور قلبی داشتند، عموم تحلیل گران سیاسی و همه کسانی که در رخدادها و حوادث ایران دخیل بودند، وقوع چنین پیروزی را، حتی تا روزهای واپسین عمر رژیم شاه ناممکن می دانستند.^۲

لذا خروج خفت بار محمدرضا شاه پهلوی از ایران سرفصل مهم و تازه ای در تاریخ ۱۷ ساله مبارزات انقلاب اسلامی بود که با دست توانای حضرت امام و با پشتیبانی ملت فداکار ایران صورت گرفت. امام طی پیامی در تاریخ ۳۰ دی ماه سال ۵۷ نهضت مقدس اسلامی را با خون پاک شهیدان و مصیبت های جانگداز توأم دانست و نوشت:

۱. غلامرضا خارکوهی، استان گلستان در انقلاب اسلامی، تهران، عروج، ج ۳، ۱۳۹۱، ص ۶۳۹.
 ۲. مجید انصاری، حدیث بیداری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۱۱۲.



آزادی خواهی و استقلال طلبی شما در جبین تاریخ ثبت شد. دشمن اساسی خود و کشور خود را از صحنه بیرون راندید، و بزرگ‌ترین خائن و جانی کشور را در گورستان تاریخ دفن نمودید. شما با قیام و استقامت خود به ملت‌های مستضعف ثابت کردید که اسلحه‌های مدرن و قدرت‌های شیطانی نمی‌توانند در مقابل خواست ملتی که برای دفاع از عقیده و حق خود دلاورانه بپا خاسته است دوام داشته باشند؛ و نیز ثابت کردید که قدرت ملتی آگاه، بر تمامی سلاح‌های ابر قدرت‌ها پیروز است. شاه رفت و رژیم شاهنشاهی فرو ریخت. دزدان بیت‌المال سرمایه‌ها را خارج کردند و یکی پس از دیگری گریختند. ملت شجاع در اولین فرصت به حساب آنان خواهد رسید. اینان رفتند و آشفتگی‌ها و خرابی‌های بسیاری را بر جای گذاشتند که با خواست خدا و همت ملت باید ترمیم شود؛ گر چه سال‌ها طول خواهد کشید.^۱



مرحوم سید احمد خمینی - فرزند گرامی امام که آن زمان همراه پدر بزرگوارش در فرانسه بود - می‌گوید: شاه رفت و امام تصمیم گرفتند تا به ایران بیایند. در ایران تقریباً همه مخالف این سفر بودند، می‌ترسیدند که رژیم شاه بلایی سر امام بیاورد. معتقد بودند که هنوز زود است، و حق هم داشتند بترسند. انقلاب بود و یک رهبری امام. اگر خدای ناکرده او طوری می‌شد، چه می‌شد؟ تلفن پشت تلفن که داستان را به امام بگو تا بلکه از

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۰۲.



بازگشت منصرف شود. من هم می‌گفتم، اما امام تصمیمشان را گرفته بودند که بیایند.^۱ لذا بار دیگر امام در ادامه پیام ۳۰دی‌ماه، ضمن آنکه خبر از بازگشت قریب‌الوقوع خود به ایران داد و هشدارهای مهمی نیز به مجلسین شورای ملی و سنا، شورای سلطنت و قوای انتظامی و ارتش داد، فعالیت آنها را غیر قانونی اعلام و تأکید کرد که آنها باید کناره‌گیری نمایند.

۱. اینجانب ان‌شاءالله تعالی به زودی به شما می‌پیوندم تا در خدمت شما باشم و باهمت شجاعانه شما به رفع مشکلات کوشا بوده و باهم‌صدا و هم‌قدم شدن همه اقشار ملت بر فسادها غلبه کنیم. دوستان عزیزم! خود را برای خدمت به اسلام و ملت محروم مهیا کنید. کمر به خدمت بندگان خدا که خدمت به خداست ببندید. من با توفیق خداوند تعالی پس از چند روزی در خدمت شما خواهم بود و در پشت سر شما به سربازی خود ادامه خواهم داد.

۲. به نمایندگان محمدرضا پهلوی که مجلسین را غصباً اشغال کرده‌اند اخطار کنید که خانه ملت را خالی کنند تا نمایندگان مردم پس از پنجاه سال که ملت از حق خود محروم بود، به خانه خود بیایند. وان‌شاءالله همه خواهید دید که انتخابات آزاد و مجلس سالم یعنی چه. من به آنان اخطار می‌کنم که در صورت ورود مجدد به مجلس مسئول هر گونه پیشامدی، خود آنان هستند.

۳. بار دیگر به اعضای شورای سلطنتی، که شاخه‌ای است از ریشه غیر قانونی، اخطار می‌شود که از شورا کناره‌گیری کنند و بیش از این با ملت مخالفت نکنند.

۴. بار دیگر به قوای انتظامی و نیروهای زمینی، هوایی، دریایی توصیه می‌شود که در حفظ انتظامات بکوشند و ملت شریف و بیدار با آنان همکاری کنند.

ملت آگاه ایران باید از اشخاص و یا گروه‌های منحرف که در این موقع حساس به فکر آشوب افتاده و می‌خواهند به نفع اجانب خیانت به کشور کنند، جداً جلوگیری کنند؛ و به آشوبگران هشدار دهند که از اعمال ضد

۱. مجموعه آثار یادگار امام، همان، ص ۷۷.



انسانی و اسلامی و ملی اجتناب کنند و به ملت بپیوندند.^۱

دیدار با دانشجویان ایرانی خارج کشور

هر نهضتی در راه نیل به پیروزی نیازمند اتحادی عمیق میان کلیه نیروهای مبارز خویش است.^۲ زیرا وحدت قشرهای جامعه در مواجهه با طاغوت، این امکان را به رهبری انقلاب می‌داد که اهداف و برنامه‌های مبارزه را به صورتی بهتر و مؤثرتر ادامه دهد تا پیروزی بر دشمن حاصل شود. به همین خاطر فردای آن روز اول بهمن سال ۵۷ امام ضمن ملاقات با جمعی از دانشجویان و ایرانیان خارج کشور در نوفل‌لوشاتو، به تشریح لزوم اتحاد و یکپارچگی و قیام برای خدا به عنوان رمز پیروزی انقلاب پرداخت و گفت: شما دیدید که در اثر وحدت کلمه در جامعه ایرانی یک قدرتی که خودش را ابرقدرت حساب می‌خواست بکند و دنبال او ابرقدرت‌ها بودند، همه ابرقدرت‌ها از او تأیید کردند بلکه مع‌الأسف دول اسلامی هم - قاطباً تقریباً - با او همراهی کردند، دیدید که با وحدت کلمه ملت، تمام کنگره‌های قصرش فرو ریخت یکی بعد از دیگری. آن حزب «رستاخیز»ی که آن قدر برای آن مدیحه‌سرایی کردند، هم خود او و هم عمال خبیث او آن قدر درباره آن مبالغه‌ها کردند، مدح‌ها خواندند و خود ایشان گفت که اگر کسی داخل این حزب نشود او را ما تذکره‌اش را می‌دهیم و می‌گوییم برود بیرون، آن قدر پافشاری راجع به این حزب کرد لکن ملت ایران مقابل حزب و مقابل حزب‌ساز و مقابل تانک و توپ و مسلسل ایستاد و مجبور کرد این آدم دیکتاتور را به آنکه از حزبش صرف‌نظر بکند و حزب را گانُ لم یکنُ فرض کند. و آن خیانتی که کرده بود راجع به تغییر تاریخ اسلام، باشرف‌ترین تاریخ‌ها [و] سازنده‌ترین تاریخ‌ها، آن تاریخی که انسان‌ها را - مستضعفین را بیدار کرد و تمام قلدرهایی که در آن وقت بودند خاضع کرد و انسان به تمام معنا، با همه ابعاد، هم ابعاد معنوی و هم ابعاد مادی ساخت، و این شخص [شاه] می‌خواست این شرافت را از ایران سلب کند و اصل اسلام را پایکوب کند و تاریخ جاهلیت شاهنشاهی را به جای آن بگذارد، و دیدید که به واسطه

۱. صحیفه امام، همان، ص ۵۰۳.

۲. یاد یار، ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۱۳/۳/۱۳۶۹، ص ۳۵.



همت مردم ایران همه قشرها قیام کردند، و این مطلب را هم ملزم شد که از دست بدهد و دیدید که به واسطه اتفاق کلمه‌ای که شما ایرانی‌ها داشتید این آدم با آن همه مداحی‌هایی که خودش از خودش می‌کرد و دیگران از او و آن همه حرف‌ها که درباره او مدیحه‌سراها می‌گفتند، ملزم شد که بیاید ادر رادیو و تلویزیون با خواندن متنی [در مقابل ملت و توبه کند و عذر بخواهد؛ برای اینکه مردم را فریب بدهد البته، لکن ملزم شد به اینکه عذر بخواهد. و دیدید که اتفاق کلمه شما ملت ایران موجب شد که تمام ابرقدرت‌ها عقب زدند؛ و اول که از او حمایت‌ها کردند، هر کدام حرف‌ها زدند: دخالت نظامی می‌کنیم، تجزیه می‌شود ایران، از این حرف‌های - شعرهایی که همیشه می‌خوانند خواندند، و شما دیدید که با اینکه همه ابرقدرت‌ها دنبال سر او بودند و می‌خواستند از او حمایت کنند، ملزم شد که از ایران بیرون برود و حالا هم بیرون ایران است؛ و مع‌الأسف فرار کرد از چنگ مسلمین و از چنگ جوان‌های ما.^۱

او سپس اشاراتی نمود به اموال و ذخایری که شاه از ملت ایران غارت کرده و به خارج برده، ظلم‌ها و قتل‌عام‌ها و جنایت‌هایی که نموده، تبعیدها و حبس‌های طولانی مردم و خصوصاً جوان‌ها، و ناراحتی‌هایی که برای جوان‌ها، روشنفکرها، علما، دانشگاهیان، و بازرگان‌های ما فراهم نموده، و دانشگاه‌های ما را به صورتی درآورده که نیروی انسانی ما را هدر داد و بلکه نیروهای انسانی ما را منقلب کرد به یک نیروهای غیر انسانی. ما این ظلم‌ها را نمی‌توانیم جبران کنیم. اگر همه شما هم جمع بشوید و او را اعدام کنید باز همان یک جان را از او می‌گیرید. او صدها جان از بهترین فرزندان اسلام را گرفته است، اما خودش یک جان که بیشتر ندارد. دست و پایش را هم ببرید و چشم‌هایش را درآورید، باز هم جبران نمی‌شود.

حضرت امام در ادامه همین سخنرانی با یادآوری بخشی از مفاسد اجتماعی شاه می‌گوید:

این سینماهایی که در زمان ایشان مشغول فعالیت بودند، آن مراکز فحشایی که اینها درست کردند، مراکز فحشایی که موجود کردند برای اینکه جوان‌های ما را بکشند به آن مراکز و غافل‌کنند از مسائل حیاتی خودشان، از مسائل زندگی بخش خودشان، این مراکز اسباب این شد که

۱. همان، ص ۵۰۴.

این نیروی انسانی که باید در خدمت کشور ما باشد علاوه بر اینکه معطل شد، منقلب شد به یک نیروی غیر انسانی.

امام سلطنت را خلاف عقل می‌دانست و در ادامه یادآور شد که مقصد ما تنها رفتن شاه نیست، این یکی از مطالب است؛ ما رژیم سلطنتی را اصلاً غلط می‌دانیم، از اول این غلط بوده، خلاف قوانین انسانی بوده؛ رژیم سلطنتی از اول خلاف قوانین عقلیه انسان است. اصلاً قضیه سلطنت یک مطلب خلاف عقلی است، خلاف شعور انسانی است.

اگر ما رجوع کنیم به تاریخ- و ما که شاهد خود قضیه بودیم، شما جوان‌ها آن وقت نبودید- ما شاهد قضیه بودیم که قضیه چه جور بود و چه جور تحقق پیدا کرد، با سرنیزه مجلس درست کردند! با سرنیزه رأی درست کردند! مگر کسی جرئت می‌کرد رأی ندهد؛ جرئت می‌کرد نفس بکشد... البته یک عده‌ای هم آن وقت از جان گذشتند مخالفت کردند، لکن مابقی همه سرنیزه بالای سرشان بود، یا تطمیع. زیاد به آنها چیز دادند. یا سرنیزه بود. یک مجلسی سرنیزه‌ای درست کردند و با آن مجلس سرنیزه‌ای به ما تحمیل کردند یک همچو موجوداتی را [مثل خاندان پهلوی].

امام در بخش دیگری از همین سخنرانی با اشاره به پشتوانه الهی این قیام و اتحاد کلمه مردم، تأکید نمود که مردم در این مبارزه علیه رژیم پهلوی فریاد زدند که خدا و اسلام را می‌خواهند، آزادی و استقلال می‌خواهند. حکومت اسلامی را می‌خواهند. کوشش کنید قیام شما الهی باشد.

امام اعتقاد داشت که «ما یک حکومت عادل می‌خواهیم. عادل یعنی دزد نباشد لاقلاً!» به گفته امام آیا حکومت‌ها می‌توانند آن همه سرمایه‌ای که شاه از بنیاد پهلوی به سرقت برده، برگردانند؟ و آیا می‌توانند شاه را به ایران بازگردانند تا حساب بنیاد پهلوی را پس بدهد؟ پانزده میلیون دلار فلان، ده میلیون دلار فلان، پنج میلیون دلار فلان، سی میلیون دلار فلان؛ در حالی که همه دزدها از اجزا و بستگان و پسر و دختر خود شاه بودند.^۱

دعوت از عشایر برای برقراری نظم و امنیت محل

به دنبال فرار شاه از کشور، برخی از عوامل فرصت طلب به جای همراهی با مردم در

۱. همان، ص ۵۰۵ تا ۵۱۰ (به صورت تلخیص و گزیده).

مبارزه با رژیم پهلوی، دست به اغتشاش و غارتگری اموال مردم در مناطق مختلف کشور زدند. بسیاری از این فرصت‌طلبان با تشویق و حمایت سازمان‌های نظامی و امنیتی رژیم پهلوی به ویژه ساواک و ژاندارمری اقدام به ناامنی و سرقت اموال مردم می‌کردند. چنان که در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۵۷/۲۳ صفر ۱۳۹۹ امام طی پیامی خطاب به عموم طوایف و ایلات سلحشور و شجاع بویراحمد نوشت:

از عواطف اسلامی شما سلحشوران مسلمان و طرفداران جمهوری اسلامی متشکریم. امید است در پرتو حکومت عدل و افراشته شدن پرچم اسلام، آزادی و امنیت و استقلال نصیب ملت محترم ایران شود. این جانب از طوایف بویراحمد و سایر طوایف شجاع ایران تقاضا دارد که در حفظ نظم و امنیت منطقه خودشان کمال مراقبت را بنمایند؛ و در این موقع حساس که به وطن ما می‌گذرد نگذارند اشخاص ماجراجو به بدخواهان دین و کشور بهانه دهند.^۱

مصاحبه با دوروزنامه مهم داخلی

در آن زمان روزنامه‌های/اطلاعات و کیهان مهم‌ترین مطبوعات رسمی و علنی داخل ایران بودند و با وجود همه عوامل شاه‌دوست و ضد مذهبی که در این دو روزنامه فعالیت می‌کردند باز هم مردم بیش از همه به اخبار آنها رجوع می‌کردند. در این راستا فردای آن روز یعنی ۳ بهمن ۱۳۵۷ خبرنگاران روزنامه‌های/اطلاعات و کیهان مصاحبه مشترکی با امام داشتند که درباره مسائل جاری انقلاب اسلامی گفت‌وگو نمودند. امام در این مصاحبه که به درخواست خبرنگاران این دو روزنامه انجام شد با تیزبینی سیاسی، بخشی از مطالب و نظریات مهم خود را برای مخاطبان ایرانی مطرح نمود. او خاطر نشان کرد روزنامه‌هایی که مضر به حال ملت نباشند و نوشته‌های آنها گمراه‌کننده نباشد، آزادند. اسلام، هم آزادی خواهد داد و هم توجه به اقتصاد خواهد کرد و هم توجه به سایر احتیاجات کشور. اقلیت‌های مذهبی هم در اسلام احترام دارند و آنها هم مثل سایر قشرهای ملت بارفاه زندگی خواهند کرد.

البته بیان همه چیز آزاد است، در صورتی که مضر برای ملت نباشد، چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد. بیان عقیده گروه‌های چپ و مارکسیست که در ایران هستند، اگر مضر به حال ملت باشد جلوگیری می‌شود؛ اگر نباشد و فقط اظهار عقیده

۱. همان، ص ۵۱۹.



امام با فرار شاه، بستر لازم را برای بازگشت به میهن اسلامی و حضور در جمع مردم فداکار مساعد دید و با بازگشت خود ناقوس مرگ نهایی حکومت پهلوی را به صدا درآورد. لذا با وجود همه ناباوری‌ها و تمام تلاش‌هایی که در سطح بین‌الملل برای حفظ تاج و تخت رژیم شاه و جلوگیری از موفقیت امام خمینی به عمل آمد، انقلاب اسلامی در مرحله نخست مبارزات خود پیروز گردید

باشد مانعی ندارد. همه مردم آزادند مگر حزبی که مخالف با مصلحت مملکت باشد. زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد. البته جلوی فساد را می‌گیریم و در این مورد دیگر بین زن و مرد فرقی نیست.^۱ در اینجا یکی از خبرنگاران زن گفت: چون مرا به عنوان یک زن پذیرفته‌اید، این نشان‌دهنده این است که نهضت ما یک نهضت مترقی است.

امام در پاسخ اظهار داشت:

اینکه من شما را پذیرفته‌ام، من شما را نپذیرفته‌ام! شما آمده‌اید اینجا و من نمی‌دانستم که شما می‌خواهید بیایید اینجا! و این هم دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است که به مجرد اینکه شما آمدید اینجا، اسلام مترقی است. مترقی هم به این معنی نیست که بعضی زن‌ها یا مردهای ما خیال کرده‌اند. ترقی به کمالات انسانی و نفسانی است و با اثر بودن افراد در ملت و مملکت است نه اینکه سینما بروند و دانس بروند. و اینها ترقیاتی است که برای شما درست کرده‌اند و شما را به عقب رانده‌اند؛ و باید بعداً جبران کنیم. شما آزادید در کارهای صحیح. در دانشگاه بروید و هر کاری را که صحیح است بکنید؛ و همه ملت در این زمینه‌ها آزادند. اما اگر بخواهند کاری خلاف عفت بکنند و یا مضر به حال ملت - خلاف ملیت - بکنند، جلوگیری می‌شود؛ و این، دلیل بر مترقی بودن است.^۲

گفت‌وگو با تلویزیون فرانسه

امام شرایط ارتش را به خوبی درک می‌کرد و از آشفتگی داخل آن اطلاع داشت. او

۱. همان، ص ۵۲۰؛ گزیده و ویرایش مصاحبه امام.

۲. همان، ص ۵۲۱.



می دانست در این روزها اوضاع داخلی ارتش شاهنشاهی از درون مضمحل شده، ولی سران ارشد و فرماندهان برجسته نظامی، سربازان و درجه داران را وادار به مقابله با مردم می کنند. حتی سه روز پس از فرار شاه، ارتشبد عباس قره باغی که رئیس ستاد کل ارتش بود به خوبی متوجه اوضاع وخیم سیستم نظامی کشور شد. او در این زمینه نوشت:

پس از سرکشی به فرماندهی ستاد، اثرات بی ایمانی، بلا تکلیفی و عدم علاقه به کارهای روزمره به وضوح مشهود بود. فرار روزافزون افسران و سربازان و آمار غائبین نشانه دیگر این امر بود.^۱

به گفته قره باغی حتی یگان های ارتش شاهنشاهی مأمور به فرمانداری نظامی تهران به علت بلا تکلیفی چند ماهه روز به روز روحیه خود را بیشتر از دست می دادند.^۲ مردم به مأموران نظامی، انتظامی و ساواک حمله می کردند و ضمن اخذ سلاح های آنها، در صورتی که متوجه می شدند دستشان به خون شهدا آغشته است، آنها را قصاص می کردند. کار به آنجا رسید که حتی برخی از نظامیان و بستگانشان نیز ضمن اعلام همبستگی با انقلاب اسلامی، خواهان بازگشت امام خمینی به ایران شدند. چنان که روز ۴ بهمن سال ۵۷ گروهی از افسران و همافران و درجه داران نیروی هوایی تهران با خانواده هایشان دست به تظاهرات زدند. آنها فریاد می زدند: «ما منتظر خمینی هستیم». در این میان حدود ۴۰۰ همافر و درجه دار هوانیروز پایگاه هوایی خاتمی اصفهان، چند هزار همافر و درجه دار پایگاه هوایی شیراز و بوشهر به نفع امام خمینی و انقلاب اسلامی دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند. به دنبال آن روز ۵ بهمن سال ۵۷ مخالفت و تظاهرات افسران، همافران و درجه داران نیروی هوایی علیه حکومت پهلوی در بوشهر، ۸۰ نفرشان توسط قوای نظامی دستگیر شدند. همچنین کارکنان هلی کوپترسازی ایران وابسته به «صنایع نظامی وزارت جنگ» نیز تهدید به اعتصاب کردند و خواستار اخراج کارکنان امریکایی شدند. آنها همچنین اعلام کردند اگر از هلی کوپترها در راهی غیر از منافع ملی بهره برداری شود دست به اعتصاب نامحدود خواهند زد.^۳

کار به جایی رسید که حتی قره باغی از ریاست ستاد کل ارتش استعفا نمود. ولی با اصرار بختیار و سولیوان - سفیر امریکا در ایران - به کارش ادامه داد. لذا روز ۳ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۴ صفر ۱۳۹۹ امام در مصاحبه با خبرنگار تلویزیون فرانسه اظهار امیدواری کرد که

۱. غلامرضا کرباسچی، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، بی جا، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، بهار ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰۸۶.

۲. اعترافات زرنال، خاطرات ارتشبد عباس قره باغی، تهران، نی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۷.

۳. وقایع انقلاب ایران، نوشته م. ج. تهران، بی نا، احتمالاً سال ۱۳۵۸، صص ۱۴۶-۱۴۵.



ارتش و تمام افسران‌ش به طرف ملت برگردند. امام در این مصاحبه خود درباره وضعیت ارتش و میزان وفاداری بدنه آن به ملت گفت:

در حال حاضر قشرهایی در ارتش رو به ملت هستند ولی من صلاح ارتش می‌دانم که همه برگردند به طرف مردم و با شاهی که کنار رفت و دیگر برگشتی ندارد، تماس نداشته باشند و توهم نکنند که باید تماس داشته باشند. ارتش باید ارتش ملت باشد. ما ارتش را از خودمان می‌دانیم. اگر چند نفری جنایتکارند، حسابشان جداست.

امام ضمن اشاره به اینکه اکنون آرای عمومی، شاه را خلع کرده و ما به استناد همین فشار افکار عمومی، قدرت را به دست می‌گیریم و حکومت جدید را مستقر می‌کنیم، شایعه کمک گرفتن از کشورهای دیگر را به شدت تکذیب کرد و اظهار داشت:

از هیچ مملکتی و از هیچ جایی، روحانیون ایران پشتیبانی و کمک مالی نمی‌گیرند. مردم ایران علاقه اسلامی دارند به روحانیون و هر کمکی روحانیون بخواهند به آنها می‌دهند و احتیاجی به کمک خارجی ندارند. امام در ادامه راجع به تمدن و ترقی کشور افزود:

ما با آثار تمدن موافقیم. مایلیم که مملکت ما مجهز شود به همه آثار تمدن، ولی نه آن طور که شاه عمل کرد. شاه تمام آثار تمدن را به صورت فاسدکننده در آورد. سینما به صورت ترویج فساد شد. اخلاق جوان‌ها را فاسد کرد، مراکز فحشا را زیاد کرد، و وسایل اعتیاد جوانان را فراهم ساخت. جوان‌های ما را به هروئین مبتلا کرد. ما با اینها مخالفیم. با آثار تمدن و پیشرفت مخالف نیستیم... حالا ملت ایران سال‌ها باید زحمت بکشد که ایران را ترمیم کند و خساراتی را که شاه در ایران ایجاد کرده و خرابی‌هایی را که به بار آورده جبران نماید.^۱

وداع با یاران اقامتگاه

امام چند روز مانده به بازگشتشان به ایران، یعنی روز ۴ بهمن ۱۳۵۷/۲۵ صفر ۱۳۹۹ در نوفل‌لوشاتو در دیدار با کارکنان اقامتگاهش، آنجا را منزل خود آنها اعلام کرد و ضمن تشکر از همه آنان که در این موقع مبارزه با رژیم پهلوی، کمک می‌کنند و کارها را انجام می‌دهند، یادآور شد که کار، کار خودتان و این منزل محقر، منزل خودتان است. امام

۱. صحیفه/امام، همان، ص ۵۲۳ و ۵۲۵.



ضمن بیان این جمله که «من بیعتم را از شماها برداشتم»، تأکید نمود که چون سفر خطرناکی است و ممکن است اتفاقی بیفتد، من می‌خواهم تنها به ایران بروم و آقایان و خانم‌ها بعداً بیایند. ناگهان فضای جلسه خیلی عاطفی شد و حاضران ضمن تجدید بیعت با امام حتی گفتند ما با خون سرخ خود با شما پیمان بسته‌ایم و سر پیمان خود هستیم. لذا همه کارکنان اقامتگاه امام از اینکه در این سفر تاریخی امام را همراهی نکنند ناراحت بودند. ولی امام تأکید نمودند که در هر صورت برای من ناگوار است که کسی به خاطر من به زحمت و در خطر بیفتد.

امام در بخش دیگری از این دیدار به تشریح خودسری‌ها و ریشه مفاسد و بی‌قانونی‌های رژیم پهلوی پرداخت و گفت:

همه مصیبت‌هایی که در این سال‌ها واقع شده است برای این بوده است که دستگاه‌ها سر خود بوده‌اند. از آن دستگاه اول گرفته، آن شخصی که به اسم شاه در این مملکت حکومت کرده، سر خود حکومت کرده، مقید به قوانین نبوده؛ وقتی که این سر خود حرکت کرد، کسانی هم که دنبال او هستند از او یاد می‌گیرند، اینها هم سر خود می‌شوند... باید دست خیانت را کوتاه کرد.^۱

تعویق سفر امام و واکنش مردم

اوایل بهمن سال ۵۷ خیر تصمیم امام در بازگشت به کشور منتشر شد. قرار بود روز جمعه ۶ بهمن امام در ایران باشند. هر کس که می‌شنید به وجد می‌آمد. مردم چهارده

۱. همان، ص ۵۲۶.



سال انتظار کشیده بودند. اما در عین حال مردم و دوستان امام نگران جان ایشان بودند. چرا که هنوز دولت دست‌نشانده شاه سر پا و حکومت نظامی برقرار بود. از این رو دوستان امام نیز توصیه به تعویق سفر تا تأمین شرایط داشتند.

از سوی دیگر حضور امام در این شرایط در جمع میلیون‌ها مردم بپاخاسته از دید امریکا به معنای پایان حتمی کار رژیم شاه بود. لذا اقدامات فراوانی از تهدید به انفجار هواپیما گرفته تا وقوع کودتای نظامی برای تعویق سفر ایشان صورت گرفت. حتی رئیس‌جمهور فرانسه واسطه شد که مانع بازگشت امام شود؛ اما امام خمینی تصمیم خود را گرفته بود و طی پیام‌هایی به مردم ایران گفته بود می‌خواهد در این روزهای سرنوشت‌ساز و خطیر در کنار مردمش باشد.

اما شاهپور بختیار برای اجرای توطئه‌هایی که در سر داشت و مأموریت‌هایی که از جانب ابرقدرت‌های خارجی خصوصاً آمریکا و شخص شاه به او محول شده بود، از جمله کودتای نظامی و سرکوب گسترده انقلاب، شش‌پا احتیاج به زمان داشت. به همین سبب از هر طریق در صدد بود تا بازگشت امام را به تأخیر بیندازد.^۱ لذا وقتی برنامه بازگشت امام جدی شد، دولت بختیار با هماهنگی ژنرال هایزر امریکایی فرودگاه‌های کشور را بست.^۲ در نتیجه امام طی پیامی خطاب به ملت ایران در تاریخ ۵ بهمن سال ۵۷، علت به تعویق افتادن بازگشت خود به ایران را بسته شدن فرودگاه‌های کشور به دستور شاپور بختیار اعلام کرد و نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

من از ملت ایران خصوصاً اهالی شهرستان‌ها و روستاهای کشور که متحمل زحمت شده و از نقاط دور و نزدیک به تهران آمده‌اند، تشکر می‌کنم. امیدوارم تا با میزبانان خود، اهالی محترم و آگاه تهران همگامی کرده و در راهپیمایی آنان شرکت کنند؛ و مطالب دولت حيله‌گر و غیر قانونی را افشا نمایند. از اینکه ایادی اجانب، فرودگاه‌های سراسر ایران را به روی من بسته‌اند، به ناچار تصمیم گرفتم که روز یکشنبه ۲۹ صفر [۸ بهمن سال ۵۷] به کشور برگشته و چون سربازی در کنار شما به مبارزه علیه استعمار و استبداد تا پیروزی نهایی ادامه دهم.

مردم دلیر ایران آگاه‌اند که این حرکات مذبح‌خانه و غیر انسانی از دولت

۱. سید محمد هاشم پوریزدان پرست، «توطئه لیبرال‌های ملی‌گرا برای ملاقات شاهپور بختیار با امام در پاریس»، ۱۵ خرداد، ش ۳۴، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۴۹.

۲. حمید انصاری، حدیث بی‌داری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۱۰۵.

غاصب و متظاهر به قانون اساسی، نمی‌تواند راه ملت را منحرف نماید. دولتی که بر خلاف تمام موازین اسلامی و انسانی کراراً مطالبی به دروغ به اینجانب نسبت داده است که شدیداً تکذیب می‌کنم. من هرگز با دولت‌های غیر قانونی مذاکره نکرده و نمی‌کنم. اینان عمال اجانب‌اند که در زیر پوشش قانون اساسی خیانت خود را پنهان می‌کنند. اینان اگر به قانون اساسی و آرای عمومی ارج می‌گذاشتند، باید هر چه زودتر کنار می‌رفتند. ملت شریف و آگاه باید بداند که دولت فعلی با کمال بی‌شرمی تصمیم دارد شاه مخلوع و فراری را چون گذشته امثل سال ۳۲ برگرداند و حکومت جابرانه این دودمان ننگین را بار دیگر بر ما تحمیل کرده و برای همیشه ما را در اختناق و زیر سلطه اجانب قرار دهد، ولی دیگر دیر شده است و اراده آهنین ملت به خواست خدای تعالی این آخرین توطئه را نیز درهم خواهد شکست. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم.

و السلام علیکم ورحمه الله^۱

ارتشبد قره‌باغی رئیس ستاد بزرگ ارتشستاران در خاطراتش به نکات جالبی اعتراف می‌کند که حاکی از ناتوانی رژیم شاه و ارتش شاهنشاهی در مهار دستداران امام و افزایش فزاینده جمعیت مردمی تهران و شهرستان‌ها به سوی فرودگاه است. او اعتراف می‌کند که بعد از اتخاذ تصمیم در شورای امنیت ملی مبنی بر جلوگیری از آمدن امام خمینی، فرودگاه مهرآباد بسته شد و در نتیجه ورود وی که در روز ۶ بهمن ماه ۵۷ اعلام شده بود متوقف گردید؛ بلافاصله جبهه مخالفین شروع به واکنش و تشدید اغتشاشات و آشوب نمودند، بدین ترتیب که ۴۰ نفر از روحانیون پایتخت در مسجد دانشگاه تهران تحصن اختیار کرده و اعلامیه‌ای صادر نمودند که تا آمدن امام خمینی به ایران به تحصن خود ادامه خواهند داد. به تدریج تعداد افراد متحصن به صد یا حتی بیشتر رسید. روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون



ارتشبد عباس قره‌باغی

۱. صحیفه/امام، همان، صص ۵۲۹-۵۲۸.

امام طی پیامی در تاریخ ۳۰ دی ماه سال ۵۷ نهضت مقدس اسلامی را با خون پاک شهیدان و مصیبت‌های جانگداز توأم دانست و نوشت: «آزادی خواهی و استقلال طلبی شما در جبین تاریخ ثبت شد. دشمن اساسی خود و کشور خود را از صحنه بیرون راندید، و بزرگ‌ترین خائن و جانی کشور را در گورستان تاریخ دفن نمودید...»

ضمن انتشار اعلامیه و اخبار مربوط به تحسن روحانیون، به نفع مخالفین تبلیغات می‌کردند. اخبار واصله نشان می‌داد که با انتشار خبر آمدن امام خمینی، روحانیون، اهالی شهرهای مختلف را که مانند تهران به حال تعطیل درآمده بودند، تشویق به آمدن به پایتخت می‌نماید. در تهران هم برای مقابله با بسته شدن فرودگاه مهرآباد گروه‌های گوناگون مخالف با صدور اعلامیه، مردم را دعوت کردند که در ۸ بهمن ماه فرودگاه را اشغال [کرده] و برای آمدن امام خمینی باز و آماده نگهدارند. به این ترتیب مردم از نقاط مختلف شهر به طرف فرودگاه مهرآباد به حرکت درآمدند. برابر گزارش ژاندارمری کشور، روز ۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ جمعیت زیادی برای اشغال فرودگاه به طرف مهرآباد رفته بودند.^۱ امام همچنین در روز ۵ بهمن ۱۳۵۷ علاوه بر پیامی که جهت اطلاع مردم انقلابی ایران فرستاد، برای افشای هر چه بیشتر این اقدام غیر قانونی دولت بختیار در بستن فرودگاه‌های کشور، به مصاحبه با خبرنگاران رسانه‌های جهان پرداخت و ضمن اتمام حجت با بختیار - نخست‌وزیر دست‌نشانده شاه فراری - ملت ایران را به تداوم انقلاب و مبارزه فراخواند و آمادگی خود را جهت بازگشت به ایران بار دیگر اعلام و تأکید نمود:

من از ایرانیانی که با من همراهی کردند متشکرم. من بنا داشته‌ام که فردا [جمعه ۶ بهمن] را در میان ملت باشم و هر رنجی که آنها می‌برند من هم با آنها باشم. لکن دولت خائن از این امر مانع شده و همه فرودگاه‌های ایران را بست. و من پس از باز شدن فرودگاه‌ها بلافاصله خواهم رفت و به او [شاپور بختیار] خواهم فهماند که شما غاصب هستید و خائن به ملت ما؛ و ملت ما دیگر تحمل شما نوکرهای خارجی را نخواهد داشت. باید اینها بدانند که وقت آنکه قلدری بکنند گذشت.

من ملت ایران را دعوت می‌کنم به ادامه نهضت؛ و دعوت می‌کنم که این قلدرها را سر جای خودشان بنشانند. لکن آرامش را از دست ندهند. من از همه ملت ایران تشکر می‌کنم و در اولین فرصت پیش مردمم به

۱. اعترافات ژنرال؛ خاطرات ارتشبد عباس قره باغی، همان، ص ۲۵۰-۲۴۹.

ایران خواهیم رفت تا با آنها یا کشته شوم و یا حقوق ملت را بگیرم و به ملت برگردانم. خداوند همه شما را توفیق بدهد.

ملت ایران باید بداند که این شخص [شاپور بختیار] که متکفل حکومت شده است به ایل خودش خیانت می کند؛ آن ایلی که پشتوانه ایران بودند و رضاشاه آنها را از پای در آورد. این شخص به ایل خودش، به ملت خودش، خیانت می کند. و باید ایل بختیاری بداند که این اشخاصی را که به آنها خیانت می کنند از جلو راه ملت بردارند. باید ارتش بداند که اینها خیانتکارند؛ به آنها کمک نکنند. باید همه ایران بدانند که توطئه ای در کار است؛ از این توطئه باید جلوگیری شود. این آخرین قدمی است که این خائنین برمی دارند؛ و ما ان شاء الله این قدم را هم می شکنیم و پیش شما می آییم و آنها را به جای خودشان خواهیم نشاند... هر وقت که منع برداشته شود و فرودگاهها باز شود من به ایران خواهم رفت تا اگر بنا باشد خون من بریزد، در پیش رفقای خودم و همراه جوان های ایران بریزد. و ما از این هیچ باکی نداریم و ما سرافرازی اسلام و ایران را می خواهیم.^۱

در این میان حضرت امام سه نفر از شخصیت های سیاسی امریکارا که منتقد سیاست های شاه و دولت امریکا بودند و اصرار بر ملاقات با امام داشتند را به حضور پذیرفت. این دیدار در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۵۷ در محل اقامتگاه امام در نوفل لوشاتو و به صورت علنی صورت گرفت. این سه نفر عبارت اند از: رمزی کلارک (دادستان کل اسبق امریکا)، ریچارد فالک (استاد دانشگاه پرینستون در ایالت نیوجرسی و رئیس بخش مطالعات خارجی آن) و دان لوئی (نماینده سازمان های مذهبی امریکا). آنان حتی پیش از آن در اوایل ژانویه ۱۹۷۹ برای بررسی وضع ایران از نزدیک، به تهران سفر کرده بودند. هر سه نفر، از رهبران مخالف با جنگ ویتنام و شرکت فعال امریکا در این جنگ بودند. اینان پس از بازدید از تهران، در راه بازگشت در پاریس توقف کردند و روز ۲۶ ژانویه ۱۹۷۹ با امام خمینی دیدار و مذاکره نمودند. گفتنی است که دیدار این سه امریکایی با امام، مصادف بود با زمانی که سید جلال الدین تهرانی، رئیس شورای نیابت سلطنت، به پاریس آمده و استعفای خود را از ریاست این شورا تسلیم امام کرده بود. این دیدار به صورت پرسش و پاسخ از محضر امام انجام شد که از اهمیت زیادی برخوردار است.

سؤال: [فالک: انقلاب ایران قابل پیش بینی نبوده است. طی قرن ها

۱. صحیفه امام، همان، ص ۵۳۱.





سیاست و مبارزات سیاسی و مذهب، به طور زیبایی، با هم مخلوط شده‌اند. آیا به نظر آیت‌الله این امر چگونه در سیاست خارجی ایران با سایر کشورهای جهان منعکس می‌شود؟ نقش مقاوم شیعه در برابر ظلم، امید بزرگی را در دل‌ها زنده کرده است؛ اما می‌خواهیم بدانیم وقتی شیعه به قدرت برسد چگونه عمل خواهد کرد؟]

پاسخ امام: تشیع همان طور که مظهر مقاومت بوده است در تمام اعصار، از صدر اسلام، تشیع مظهر مقاومت و دفاع از حق بوده است اما هرگز اهل ظلم و ستم نبوده است. حکومت‌هایی که بر اساس مذهب تشیع پیش آمده و ثبت شده در تاریخ، همان طور که ظلم را تحمل نمی‌کرده‌اند، تحمیل ظلم را هم نمی‌کنند. اگر حکومتی با قانون اسلام پیش بیاید و مذهب تشیع آن را پیش ببرد، بنا بر آن است که همین رویه را پیش ببرد. هیچ انسانی را بر اساس مسلک مذهبی تحت فشار و سلب آزادی قرار ندهد. تمامی انسان‌ها در مذهب تشیع آزادند، مستقل هستند. و بر حسب تشیع، با تمامی ملت‌ها و دولت‌هایی که با حکومت تشیع خوش رفتاری و احترام متقابل کنند، اگر مذهب تشیع بر جایی غلبه کند، آن گونه عمل می‌کند که حکومت‌های آنها هرگز چنین رفتاری ندارند. از آن عدالت غافل‌اند. تاریخ نشان می‌دهد که وقتی اسلام جایی را فتح کرده است مردم آن چنان به اسلام رو کرده‌اند و به دولت‌های قبلی خود پشت کرده‌اند؛ نظیر ایران که با آغوش باز به اسلام و تشیع روی آوردند. احکام اسلام روی عدالت است. زندگی حکام با پایین‌ترین افراد، یک‌طور بوده است. رئیس مذهب ما [امام علی] که حکومتش وسیع بود - چندین مقابل ایران، حجاز و مصر و ایران و همه آنها تحت سیطره او بود - زندگی‌اش از همه افراد ملت پایین‌تر بود. عدالت را بالاتر از هر کس که تصور شود اجرا می‌کرد. در محکمه اگر ادعایی علیه او بود حاضر می‌شد، در محکمه می‌نشست. حکم خلاف [قاضی] را قبول می‌کرد. تشیع در عین مقاومت، عادل است؛ و عدالت یعنی «نه ظلم بکن و نه زیر بار ظلم برو». برنامه تشیع را امام ما در این دو کلمه خلاصه کرد: نه تحمل ظلم بکن و نه ظالم باش. برنامه کلی تشیع و اسلام همین است... همین است. تشیع از قرآن است.

سؤال: [در مشاهدات ما درباره جنبش حاضر در ایران، امری که نگران آن هستیم، درجه تحمل در برابر غیر مذهبی‌های چپی در ایران تحت دولت اسلامی است. ما متوجه شدیم که در ایران در بین دانشجویان و سایرین، که زندگی آنها در اسلام و جمهوری اسلامی مشکل است، ترس و نگرانی وجود

امام سلطنت را خلاف عقل می‌دانست و در ادامه یادآور شد که مقصد ما تنها رفتن شاه نیست، این یکی از مطالب است؛ ما رژیم سلطنتی را اصلاً غلط می‌دانیم، از اول این غلط بوده، خلاف قوانین انسانی بوده؛ رژیم سلطنتی از اول خلاف قوانین عقلیه انسان است

دارد. چه اطمینان‌هایی نسبت به این نگرانی‌ها وجود دارد؟]

پاسخ امام: اصل گرایش اینها به مکتب‌های انحرافی به علت عدم اطلاع از اسلام است. خیال می‌کنند اسلام طرفدار... هیئت حاکمه، سرمایه‌داران، کارخانه‌داران است! اگر اینها مطلع باشند که اسلام یک وضع تعدیلی دارد و همه چیز را بر اساس عدالت حل می‌کند، از نظر آزادی عقاید بنا بر آن است [که] اشخاص منحرف همیشه حرف‌های خود را می‌زده‌اند، اگر آنها از اصل اسلام خبردار شده باشند این حرف‌ها را نمی‌زنند. اینها اگر به همه مسائل آشنا شوند اختلافات از بین می‌رود. در عین حال، ما از اظهار عقیده جلوگیری نکرده و نمی‌کنیم. لکن از کارهایی که منحرفین گاهی می‌کنند، می‌خواهند شلوغ کاری کنند. الان نهضتی در ایران برپاست که برای قطع ظلم است تا رژیم فاسد را از بین ببرند. در این بین عده معدودی به خرابکاری مشغول‌اند، تبلیغ سوء می‌کنند و نظر دارند که این رژیم را حفظ کنند یا رژیم اسلامی پیش نیاید یا انحراف دارند و توجه به مسائل ندارند و یا با توجه به مسائل، اغراض فاسد دارند. ما آزادی به همه مسالک و عقاید می‌دهیم لکن اگر بخواهند شورش کنند و مسیر ملت را تغییر دهند، دست ظالم را نگه دارند، مجاز نخواهند بود. هر ملتی حق دارد منافع ملی و مذهب خود را حفظ کند از تعدیات آنها. اگر تعدی نکنند ما تعدی نمی‌کنیم.

سؤال: [سوالی درباره امپریالیسم فرهنگی؛ اسلام توجه و تکیه زیادی روی ارزش‌های فرهنگی و اساسی داده است. در این پنجاه، شصت سال





حکومت پهلوی امپریالیسم فرهنگی شدید بوده است که منجر به، به هم خوردن ارزش‌های اسلامی-ایرانی شده است و جای آن را ارزش‌های غربی گرفته است. آیا آیت‌الله چه قدم‌هایی برای ترمیم این خرابی‌های اجتماعی و فرهنگی بر خواهند داشت؟]

پاسخ امام: همین مسائل موجب مخالفت ما با شاه شد. شما یک جنبه را در نظر می‌گیرید اما جنبه‌های زیادی دارد. در این پنجاه سال تنها فرهنگ ما را به عقب نبرده، سال‌های طولانی مردم را به عقب بردند؛ اقتصاد ما را به عقب بردند. ایران یک کشور فقیری شده است. ایران مخازن زیادی دارد اما این مخازن غارت شده است. نفت رفته است و پایگاه برای امریکا درست شده است. نیروهای انسانی ما را به عقب راندند. به طوری که اگر بخواهیم اصلاح کنیم برنامه طولانی لازم دارد. ارتش ما را فاسد تربیت کردند، یعنی رؤسای ارتش در طبقات بالا. آنها به تبع افکار فاسد پدر و پسر، افکار فاسد دارند. ارتش ما را انگل تربیت کرده‌اند. [اصلاحات] محتاج به یک برنامه‌های طولانی است لکن ما از باب اینکه تمامی ملت ما بپاخاسته است و یک مطلب را می‌خواهد: «آزادی، استقلال، حکومت اسلامی». امید آن را داریم که با کمک همه اقشار که اظهار همکاری می‌کنند این فرهنگ را از حالت انگلی و استعماری در آوریم و به یک فرهنگ استقلالی بدل سازیم، و به کمک همه اقشار اصلاح کنیم. و مخازن‌نمان را نگذاریم هدر برود و عاقلانه بفروشیم و عاقلانه صرف ملت، چه فرهنگ چه سایر جاهای مورد نیاز بکنیم. در این پنجاه سال چه بلاهایی بر سر ما آوردند! ما مواجه با یک مملکت آشفته هستیم که از همه جهات درهم ریخته است. با کمک افراد ملت که اتفاقاً تمامی اقشار هم با ما موافق‌اند، قیام کنیم و ما سال‌های طولانی البته این آشفستگی‌ها را ترمیم کنیم. یک فرهنگ مستقل اسلامی، یک ارتش مستقل، یک اقتصاد سالم، یک زراعت که به کلی از بین رفته است، نیاز به سال‌ها کار دارد تا برگردد به اول. مصیبت‌های زیادی داریم، و بیشتر آنها از این ابرقدرت‌ها، از دست آنهاست. ان‌شاءالله خودمان را از قید آنها آزاد خواهیم کرد تا به استقلال در تمام اقشار برسیم.

سؤال: [یکی از مصاحبه کنندگان: خیلی متشکرم. سه امید و آرزو داریم:

اول. انتقال قدرت به دولت جدید؛ سریع و با آرامش و بدون شلوغی انجام گیرد.

دوم. وعده‌های عدالت برای همه مردم تحقق یابد.

سوم. مردم ایران و مردم امریکا به هم عشق بورزند، تفاهم کنند، احترام بگذارند. و ما می‌خواهیم به هر شکلی که ممکن است به شما کمک کنیم که این سه امید و آرزو تحقق یابند]

پاسخ امام: ما هم امیدواریم. آرزوی اول که کلیدش در دست اجانب است به واسطه فهم آنها، که دست از فشار و تهدید گذشته، دست از تحریکات و تهدیدات بردارند و اگر به ما مهلت بدهند خواهید دید که ملت ایران تحت اسلام و با آرامش و بدون تشنج قدرت را به دست خواهند گرفت؛ و قدرتی که به دست می‌آید صرف در تحقق عدالت خواهد شد. اگر این قدرتمندهایی که در رأس ملت‌ها واقع می‌شوند کنار بروند یا اصلاح بشوند تفاهم با ملت‌ها آسان خواهد بود. اما تا زمانی که آنها هستند تفاهم معلوم نیست بشود.^۱

حیله جدید شاپور بختیار

در این میان بختیار که در مهار انقلاب و مبارزات مردم کلافه شده بود، در حیله‌ای جدید خواست به نوفل لوشاتو نزد امام برود تا به زعم خود از او بخواهد که به دولتش مهلت بدهد تا کاستی‌های رژیم شاهنشاهی را جبران نماید. بختیار تلاش داشت تا از این دیدار با شانناژ تبلیغاتی بهره‌برداری سیاسی نماید و چنین وانمود کند که با امام - رهبر بلامنازع مخالفان رژیم - سازش و تفاهم نموده تا هم در سطح بین‌الملل اعتبار سیاسی کسب نماید و هم در داخل - به زعم خود با وقت خریدن - خروش مردم را خاموش نماید.

۱. همان، ص ۵۳۳ و ۵۳۵.





به دنبال فرار شاه از کشور، برخی از عوامل فرصت طلب به جای همراهی با مردم در مبارزه با رژیم پهلوی، دست به اغتشاش و غارتگری اموال مردم در مناطق مختلف کشور زدند. بسیاری از این فرصت طلبان با تشویق و حمایت سازمان‌های نظامی و امنیتی رژیم پهلوی به ویژه ساواک و ژاندارمری اقدام به ناامنی و سرقت اموال مردم می‌کردند

بختیار مدت‌ها پس از فرارش از ایران در گفت‌وگو با رادیو بی.بی.سی اعتراف کرد که هدف او از دیدار با امام در نوفل‌لوشاتو این بوده که یا امام می‌پذیرد یا رد می‌کند. اگر پذیرفت و ملاقات انجام شد نصف کار بزمایش می‌شکند. اگر نپذیرفت به مردم ایران می‌گوییم او حاضر به هیچی نیست.^۱

در خصوص ایام بازگشت امام، بختیار همچنین در کتاب خاطراتش، اذعان می‌کند که استراتژی‌اش بر دو اصل استوار بوده، اول اینکه روحانیون انقلابی را ولو برای مدتی کوتاه سرگرم

کند و دیگر اینکه با تکیه بر ارتش انقلاب مردم را سرکوب نماید.^۲

اما امام که در زیرکی و هوش سیاسی سرآمد بود، هر یک از مقامات بلند پایه حکومت پهلوی... که تقاضای ملاقات با امام را داشت، می‌گفت ابتدا از مقام خود استعفا دهید و در رسانه هم استعفا را اعلام نمایید بعد به ملاقات بیایید. چنانکه پیش از آن سید جلال‌الدین تهرانی که رئیس شورای سلطنت بود چنین کرد. اما بختیار می‌خواست به خیال خود زرنگ‌بازی در بیاورد. ولی امام به او اجازه نداد و شرط ملاقات را استعفایش از نخست‌وزیری اعلام کرد.

البته منظور امام از استعفا تأیید صلاحیت اداری و دولتی بختیار و سایر مقامات رژیم نبود. بلکه این شیوه به خاطر حفظ ظاهر بود و بس، چنانکه خود حضرت امام چند روز بعد طی سخنانی یادآور شد که من گفتم اگر رئیس دولت - به قول خودشان - بخواهد بیاید اینجا، تا استعفایش را قبلاً ننویسد و اعلام نکند با من نمی‌تواند ملاقات بکند. این هم که من می‌گویم استعفا، نه اینکه این به معنای واقعی استعفا است؛ چون این آقا اصلاً نخست‌وزیر قانونی نیست که استعفا کند؛ لکن برای حفظ ظاهر، ما کلمه استعفا را ذکر می‌کنیم و الا استعفا یعنی چه! تو اصلاً نخست‌وزیر نیستی!

در این بین دار و دسته حکومت چنین شایعه کردند که امام حاضر به ملاقات با بختیار به عنوان نخست‌وزیر می‌باشد و این خبر موجب نگرانی مردم انقلابی شد. در نتیجه

۱. عمادالدین یاقی (به کوشش)، *تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی؛ مجموعه برنامه داستان انقلاب از رادیو بی.بی.سی، تهران، تفکر، ص ۲۴۱.*

۲. شاپور بختیار، *یک‌رنگی، ترجمه مهشید امیرشاهی، چاپ امریکا، ص ۱۷۲.*

امام طی پیامی در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۵۷/۲۸ صفر ۱۳۹۹- که مصادف با عزاداری مردم ایران در سراسر کشور به مناسبت رحلت پیامبر اکرم (ص) بود- از نوفل لوشاتو خطاب به روحانیون و مردم تهران و شهرستان‌ها، ضمن تکذیب این شایعه، نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام تهران و سایر شهرستان‌ها- دامت برکاتهم آنچه ذکر شده است که شاپور بختیار را با سمت نخست‌وزیری من می‌پذیرم، دروغ است بلکه تا استعفا ندهد او را نمی‌پذیرم؛ چون او را قانونی نمی‌دانم.

حضرات آقایان به ملت ابلاغ فرمایید که توطئه‌ای در دست اجراست و از این امور جاریه گول نخورید. من با بختیار تفاهمی نکرده‌ام و آنچه سابق گفته است که گفت‌وگو بین او و من بوده، دروغ محض است. ملت باید موضع خود را حفظ کنند و مراقب توطئه‌ها باشند.

والسلام علیکم ورحمه‌الله.^۱

هشدار امام به امریکا و ارتش

یکی از اقدامات امریکایی‌ها به نفع حکومت پهلوی و کمک به نخست‌وزیری بختیار اعزام ژنرال هایزر در عصر روز ۱۴ دی ماه ۱۳۵۷- ۴ ژانویه ۱۹۷۹- بود که ساعتی قبل از غروب آفتاب وارد تهران شد. شب را در اقامتگاه ژنرال گاست، رئیس هیئت مستشاری امریکا در تهران گذراند. سفر نامبرده به ایران به منظور تقویت روحیه افسران بلندپایه شاه صورت گرفت و مأموریت او این بود که نظامیان را برای همکاری با شاپور بختیار (پس از فرار شاه به خارج از کشور) و برنامه‌ریزی برای یک کودتای نظامی جهت بازگرداندن شاه به قدرت آماده و کمک نماید!^۲ این کودتای نظامی قرار بود در یکی از روزهای بین ۵ تا ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ اجرا شود و صدها هزار نفر از مردم انقلابی و مخالفان رژیم پهلوی دستگیر یا کشته شوند. به همین خاطر ارتش محکم پشت سر دولت بختیار ایستاده بود و حتی فرودگاه را با تانک و نفربر نظامی مسدود کرد تا مانع از بازگشت امام شود. این گونه اقدامات که مستقیماً با دستور و حمایت دولت امریکا و مخصوصاً ژنرال هایزر، در ایران انجام می‌شد کاملاً مغایر با خواست اکثریت مردم

۱. صحیفه امام، همان، ص ۵۳۷.

۲. فخر روحانی، اهرم‌های سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات، ج ۱، ص ۱۵۸.



به گفته قره باغی حتی یگان‌های ارتش شاهنشاهی مأمور به فرمانداری نظامی تهران به علت بلا تکلیفی چند ماهه روز به روز روحیه خود را بیشتر از دست می دادند. مردم به مأموران نظامی، انتظامی و ساواک حمله می کردند و ضمن اخذ سلاح‌های آنها، در صورتی که متوجه می شدند دستشان به خون شهدا آغشته است، آنها را قصاص می کردند.

انقلابی بود.

کار به جایی رسید که مردم شعار «مرگ بر هائیزر» را بر روی دیوارهای تهران و سر در ستاد مشترک ارتش نوشته بودند. حتی مردم عکس این ژنرال امریکایی را کنار عکس کارتر - رئیس جمهور وقت امریکا - در تظاهرات حمل می کردند.^۱ بی جهت نبود که روزنامه پراودا - که پرتیراژترین روزنامه اتحاد جماهیر شوروی سابق بود - ژنرال هائیزر را «نایب السلطنه ایران» و «فرماندار

کل ایران» معرفی کرده و نوشته بود: ژنرال هائیزر با موفقیت جای شاه را گرفته و او اینک دست در دست دولت بختیار و فرماندهان ارتش مسئول خون‌ریزی‌های روزانه در تهران و شهرهای ایران است.

این روزنامه همچنین یادآور شده بود، نتیجه مداخلات علنی و آشکار امریکا در امور داخلی ایران، وقوع یک کودتای نظامی خزنده است که در حال شکل‌گیری می‌باشد.^۲ در همان ایام علاوه بر امریکا و متحدانش، شخص شاه نیز تنها راه بازگشت به سلطنتش را انجام یک کودتای نظامی توسط ارتش و با حمایت‌های خارجی می‌دانست. در نتیجه امام روز ۷ بهمن ضمن هشدار به دولت امریکا، اهداف کلی جمهوری اسلامی را نیز ترسیم نمود:

کارها و عملیات بختیار و سران کنونی ارتش نه تنها برای ملت ایران بلکه برای دولت امریکا هم، به خصوص آینده خود امریکا هم در ایران، سخت ضرر دارد و من ممکن است مجبور شوم دستور جدیدی درباره اوضاع ایران بدهم. بهتر است شما به ارتش توصیه کنید که از بختیار اطاعت نکند؛ [او] دست از این حرکات بردارند. ادامه این عملیات توسط بختیار و سران ارتش ممکن است فاجعه‌ای بزرگ به بار آورد... وقتی من دولت موقت را اعلام کنم خواهید دید که رفع بسیاری از ابهامات خواهد شد و خواهید دید که ما با مردم امریکا دشمنی خاصی نداریم و خواهید

۱. مأموریت در تهران؛ خاطرات ژنرال هائیزر، ترجمه ع. رشیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۵، ص ۲۱۹.
۲. همان، ص ۲۳۹.

دید که جمهوری اسلامی که بر مبانی فقه و احکام اسلامی استوار است چیزی نیست جز بشر دوستی و به نفع صلح و آرامش همه بشریت است. بستن فرودگاه‌ها و جلوگیری از رفتن ما به ایران، ثبات را بیش از پیش بر هم می‌زند، نه آنکه اوضاع را تثبیت نماید. از جانب نیروهای طرفدار من خواسته شده است که اذن بدهم بروند فرودگاه را باز کنند با زور؛ اما من هنوز چنین اذنی نداده‌ام. همچنین نیروهای مسلح از نظامی و غیر نظامی من جمله عشایر در خواست عمل برای پایان دادن به وضع کنونی کرده‌اند. اما من هنوز اذن نداده‌ام و ترجیح می‌دهم که کار با مسالمت تمام شود و سرنوشت مملکت به دست ملت سپرده شود.^۱

گفت‌وگو با خبرنگار فرانسوی

در این روز (۷ بهمن ۱۳۵۷) امام علاوه بر دو پیام مهمی که صادر نمود، مصاحبه‌ای نیز با یکی از خبرنگاران فرانسوی درباره حوادث و اوضاع آینده ایران پس از پیروزی انقلاب و تعیین موضع در برابر غربی‌ها داشت. این مصاحبه نسبتاً مفصل در آن شرایط بحرانی تاریخی بسیار حائز اهمیت بود و بسیاری از ابهامات و اتهامات ناروای پاسخ داد:

سؤال: [رفتن شما به ایران تأخیر افتاد. تظاهرات دیروز با خشونت کوبیده شد و به نظر می‌رسد که رفتن شاه تعیین کننده نیست. آیا شما در استقرار حکومت اسلامی به تردید افتاده‌اید؟]

پاسخ امام: آن طور که ما در نظر داریم باید شاه و رژیم سلطنتی و حکومت منصوب شاه - تمام - بروند و با استقرار حکومت اسلامی وضع تثبیت خواهد شد. آنچه وضع را متزلزل می‌کند دولت و بعضی از ارتشیان دست‌نشانده اوست. من بارها گفته‌ام که ارتش با ماست. تمام این خشونت‌ها از تنی چند فرماندهان است که ناچار با شکست روبه‌رو هستند.

سؤال: [در محدوده یک جمهوری اسلامی قشون چه خواهد شد؟ آیا کماکان از مدرن‌ترین وسایل برخوردار خواهد شد؟]

پاسخ امام: البته ما ارتش لازم داریم و با استقرار جمهوری اسلامی باید ارتش قوی باشد اما به نفع مردم. ارتش باید در خدمت ملت باشد و نه

۱. صحیفه امام، همان، ص ۵۳۸.



در خدمت اجانب و برای سرکوبی ملت. تاکنون ارتش را طوری انتخاب کرده بودند که کارش سرکوبی ملت بود. تنی چند فرماندهان خائن به سود اجانب عمل می‌کردند؛ اینان که کنار بروند ارتش در خدمت ملت در خواهد آمد و از مدرن‌ترین وسایل برخوردار خواهد بود. البته از وسایل مدرنی که به درد ارتش بخورد نه اینهایی که فعلاً به درد مستشاران امریکایی می‌خورد و بس.

سؤال: [چه رفتاری در برابر سرمایه‌گذاری‌های فرانسه و قراردادهایی که با فرانسه امضا شده است اتخاذ خواهید کرد؟]

پاسخ امام: این امور راجع به دولت آینده است. البته قراردادهایی که به نفع ملت باشد محترم [است] و آنچه به ضرر ملت باشد ملغی خواهد شد. فکر نکنید که چون من در فرانسه هستم قدمی به نفع فرانسه که به ضرر ملت خودمان باشد بردارم. فرانسه هم مثل سایر کشورهاست. من به مبارزه خود در هر کجا که باشد ادامه می‌دهم؛ فرانسه و جای دیگر ندارد. البته فعلاً از فرانسه - شخصاً - متشکرم.

سؤال: [آقای تهرانی که از شورای سلطنت استعفا کرده است آیا نمی‌تواند نقش واسطه مفیدی را میان شما و ارتش و بختیار ایفا کند؟]

پاسخ امام: دولت بختیار، دولت غیر قانونی [است] و وساطت با او هیچ معنی ندارد؛ و ارتش هم مقامی نیست که بتوان با او مذاکره شد و تفاهم نمود.

سؤال: [چرا پیشنهاد بختیار را درباره دادن امکان انتخاب به ملت - میان جمهوری اسلامی و یک رژیم دیگر - قبول نمی‌کنید؟]

پاسخ امام: بختیار غیر قانونی است و ملت با او مخالف است. او از نظر من یک فرد خائن است.

سؤال: [شما با اسرائیل مخالف‌اید و از یاسر عرفات حمایت می‌کنید. رفتار شما در بحران خاورمیانه چه خواهد بود؟]

پاسخ امام: این امور مربوط به دولت آتیه است و من فعلاً نمی‌توانم در این باره اظهار نظر کنم. البته به محض آمدن یک حکومت مردمی روی کار، با اسرائیل قطع رابطه خواهیم کرد؛ چون غاصب است.

سؤال: [آیا شما این فرض را مورد بررسی قرار داده‌اید که خود



مسئولیت جمهوری اسلامی را بر عهده بگیرید؟ در چه حدود و با چه شرایطی؟]

پاسخ امام: خیر؛ من مسئولیت ریاست جمهوری را به عهده نمی‌گیرم. کار من هدایت آنهاست.

سؤال: [شما در پنجشنبه گذشته احتمال حوادث وخیمی را هنگام ورود خود به تهران دادید. حوادث ساعات اخیر مؤید این بیم هست؟]
پاسخ امام: تا این رژیم هست و تا این دولت غاصب [بختیار] سر کار است این احتمال‌ها را می‌دهم. وقتی این دولت برود اوضاع آرام می‌شود. شخص من مطرح نیست. من از خدا می‌خواهم تا در برابر ملت به شهادت برسم و در کنار آنها کشته شوم. من بارها گفته‌ام که من با یک شخص عادی یکی هستم.

سؤال: [جمهوری اسلامی، آن طور که شما در نظر دارید، بر پایه چند حزبی خواهد بود؟ و آیا گرایش‌های مذهبی دیگر و غیر مسلمان، محترم شمرده خواهد شد؟]

پاسخ امام: همه احزاب در ایران آزاد خواهند بود مگر آنکه مخالف با مصالح ملت باشد؛ در آن صورت از فعالیت آنها جلوگیری می‌شود. لکن اظهار عقاید آزاد است. اقلیت‌های مذهبی نیز همه محترم هستند و حقوق آنان در اسلام و جمهوری اسلامی محفوظ است.

سؤال: [هیچ کس نقش «سیا» را در استقرار رژیم شاه و نگاه داشتن و حفظ دولت بختیار انکار ندارد. در این شرایط چگونه می‌توان مانع یک عمل نظامی قهرآمیز تحت رهبری امریکا شد؟]

پاسخ امام: به همان ترتیب که شاه از بین رفت اراده ملت بر همه مشکلات غلبه خواهد کرد؛ و ارتش، غیر از چند نفر از سران آن، از مردم‌اند و با ما هستند.

سؤال: [آیا شما از حمایت‌های خارجی برخوردارید؟]

پاسخ امام: هیچ حمایتی از ما نشده است. گاهی لفظاً اظهار حمایت شده است لکن حمایت عملی به هیچ وجه وجود ندارد؛ و ما محتاج هیچ حمایتی نیستیم. ملت ایران اراده کرده است تا پیروز شود و حتماً پیروز خواهد شد.

سؤال: اوقتی حکومت بختیار برود چه تدابیر اقتصادی فوری باید اتخاذ کرد؟]

پاسخ امام: برای نجات اقتصاد کشور ما علمای اقتصاد داریم؛ آنان را به کار وامی داریم تا اولویت‌ها را معین کنند. ما می‌دانیم که اقتصاد کشور منهدم شده است و بعد از پیروزی با بحران‌های اقتصادی عظیمی روبه‌رو هستیم. چون شاه برای آرامش خیالی ایران، پولی [از بیت‌المال] در بانک‌ها نگذاشته است و افراد خائن پول‌های گزافی از کشور خارج کرده‌اند. ولی ما اشخاصی داریم که می‌توانند راه‌حل‌ها را بیابند. و چون ملت همه از جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند، امیدواریم بتوانیم بر مشکلات غلبه کنیم و جهات مادی و معنوی خود را سامان بخشیم، و به امید خدا ایران را از نو بسازیم. ولی باز باید اقرار کنم که مشکلات بزرگ اقتصادی در پیش است.

سؤال: آیا شما امشب به ایران می‌روید؟ چه خواهید کرد اگر فرودگاه بسته باشد؟ گفته شده از راه دیگری خواهید رفت؛ چه راهی؟]

پاسخ امام: تا فرودگاه بسته باشد نخواهم رفت؛ و به محض باز شدن، خودم را به هم‌میهنانم خواهم رساند تا در کنار آنان یا پیروز شوم و یا کشته.

سؤال: [بعضی می‌گویند شما غرب را به لرزه درآورده‌اید. آیا ما غربی‌ها حق داریم از شما بترسیم؟]

پاسخ امام: اما اینکه می‌گویید غرب به لرزه درآمده، اگر از این لحاظ است که ما مطلب حقی گفته‌ایم و بدین مناسبت قلب مردم غرب را به لرزه انداخته است، مایه ترس نیست؛ مایه امید است. غرب باید امیدوار باشد که ملتی برای گرفتن حق خود، این چنین قیام کرده است. بله، ممکن است دولت‌های غربی که احتمال می‌دهند منافعشان به خطر افتاده است خوف داشته باشند لکن اگر با عدالت رفتار کنند خوفشان بی‌جاست. ایران هم با آنان به عدالت رفتار خواهد کرد.

سؤال: [برخی از رسوم اسلامی مانند حجاب اجباری رها شده است. آیا در جمهوری اسلامی از نو اجباری خواهد شد؟]

پاسخ امام: حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب

اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند.

ارتشبد قره‌باغی رئیس ستاد بزرگ ارتشداران در خاطراتش به نکات جالبی اعتراف می‌کند که حاکی از ناتوانی رژیم شاه و ارتش شاهنشاهی در مهار دوستان ارتش امام و افزایش فزاینده جمعیت مردمی تهران و شهرستان‌ها به سوی فرودگاه است

سؤال: [منظور از قیمت عادلانه نفت چیست؟ و با چه معیاری تعیین می‌گردد- همان قیمتی که اوپک تعیین می‌کند؟]

پاسخ امام: قیمتی است که بر اساس تفاهم میان دولت ما و دولت‌های دیگر برقرار می‌شود. به طوری که نه به آنها اجحاف شود و نه به ما. ما هرگز حاضر نیستیم زیر عنوان اوپک منافعمان را غارت کنند.

[به چه دلیل دولت بختیار را غیر قانونی می‌دانید؟]

پاسخ امام: به دلیل مخالفت همه مردم. بختیار را شاه نصب کرده است و مردم همه با شاه مخالف‌اند و او را عزل کرده‌اند، و در تظاهرات و راهپیمایی‌های مکرر این معنی را ثابت کرده‌اند. دولت قانونی باید از مردم و برای مردم باشد نه مخالف مردم.

سؤال: [ما غربیان مادی هستیم؛ بالاخره بر این اساس با ما چگونه رفتار خواهد شد؟]

پاسخ امام: من متأسفم که شما غربی‌ها معنویات را فدای مادیات کردید و مصالح مادی را بر معنویات مقدم داشتید. همین امر موجب این بدبختی‌هاست. آنچه بشر را مترقی می‌کند معنویات است. معنویات می‌تواند بشر را سعادت‌مند کند و آرامش ایجاد کند. مادیات است که بشر را به جان هم انداخته. من توصیه می‌کنم که شما غربی‌ها به معنویات توجه کنید. شما مدعی هستید که مسیحی هستید؛ ببینید سیره حضرت مسیح چه بوده است. سیره حضرت مسیح را روش خود قرار دهید تا سعادت برای شما حاصل شود. ما می‌خواهیم رژیم‌های ایجاد کنیم





که روش حضرت مسیح در آن مورد توجه است.^۱

انبوه شهرستانی‌ها، مهمان‌تهرانی‌ها

در این ایام انبوه مردم از سراسر کشور به سوی تهران سرازیر شده بودند و هر روز تظاهرات میلیونی در خیابان‌های تهران به راه می‌انداختند و خواستار باز شدن فرودگاه‌ها بودند. جمعی از روحانیون و شخصیت‌های سیاسی در مسجد دانشگاه تهران تا باز شدن فرودگاه دست به تحصن زدند.^۲ آقای فتح‌الله نوری یکی از جوانان انقلابی که خود آن ایام به اتفاق جمع دیگری از همشهریان در مراسم استقبال از حضرت امام در تهران حضور داشته می‌گوید:

ما هم از علی‌آباد کتول به آنجا رفتیم که در مسجد لرزاده تهران جمعیتی از گرگانی‌ها از جمله آیت‌الله نورمفیدی و آیت‌الله طاهری را در آنجا زیارت کردم. از شهرهای دیگر استان گلستان هم دوستان دیگر آمده بودند. اما با ورود مردم به تهران، فرودگاه توسط بختیار بسته شد. با بسته شدن فرودگاه، مردم هر روز در تهران به حمایت از حضرت امام و مخالفت با رژیم شاه و در اعتراض به بسته شدن فرودگاه راهپیمایی‌های بسیار گسترده‌ای انجام می‌دادند. یک روز صبح زود ما از مسجد لرزاده تهران تا بهشت زهرا که مسافتی طولانی بود پیاده به راه افتادیم که موقع ظهر به بهشت زهرا رسیدیم. در آنجا جمعیت بسیار زیادی تجمع کرده بودند.

شهید دکتر بهشتی آن روز با صدای رسا و زیبا مشغول سخنرانی در آن مراسم بود. در حین سخنرانی ایشان، هلی‌کوپتری در حال گشت‌زنی در آسمان بهشت زهرا و بالای سر جمعیت بود و مردم داشتند آن را نگاه می‌کردند. در نتیجه شهید بهشتی با لحن زیبایش گفت: حال که به آسمان و به هلی‌کوپتر نگاه می‌کنید، مشت‌های گره کرده خود را هم نشان بدهید.

در این موقع مردم مشت‌هایشان را گره کردند و مثل مسلسل به سوی آسمان نشانه رفتند که صحنه بسیار زیبا و به یاد ماندنی شده بود.

۱. صحیفه/امام، همان، ص ۵۴۲-۵۴۰.

۲. حمید انصاری، همان، ص ۱۱۳.



بعد از سخنرانی شهید بهشتی، مجری برنامه اعلام کرد که آقای خامنه‌ای برای قرائت قطعنامه تشریف بیاورند. ظاهر آقای خامنه‌ای در آن موقع در محل جایگاه حضور نداشت. در این موقع در حالی که مردم منتظر بودند، دیدم از فاصله دور تر از میان جمعیت راه باز می‌شود و آقای خامنه‌ای دارد به جلو می‌آید. به ما نزدیک شد و ما هم راه را باز کردیم و عبور کرد و رفت و قطعنامه را قرائت کردند. صحنه بسیار جالبی شده بود... فکر می‌کنم همان روز بود که شهید بهشتی برای مردم در آنجا یک سخنرانی کرد و گفت از اینکه ما کمتر در میان مردم حضور پیدا می‌کنیم، بعضی از دوستان گله می‌کنند. اما از جهاتی ضرورت دارد که ما به بعضی از مسائل دیگر هم برسیم. البته آن ایام هم مصادف بود با تحصن روحانیت در دانشگاه تهران برای اعتراض به بسته شدن فرودگاه توسط بختیار که شهید بهشتی از گردانندگان اصلی این تحصن بودند.^۱ به دنبال اقدام کینه‌توزانه بختیار در مسدود کردن فرودگاه‌ها، عده‌ای از روحانیون و مردم مبارز تهران و شهرستان‌ها با تجمع در مسجد دانشگاه تهران دست به تحصن اعتراض‌آمیز زدند و مردم تهران و شهرستان‌ها هم هر روز در خیابان‌ها به راهپیمایی می‌پرداختند و شعار می‌دادند:

وای به حالت بختیار اگر خمینی دیر بیاد
خمینی، خمینی، قلب ما، باند فرودگاه توست
مرگ بر بختیار، دولت بی اختیار

بختیار، بختیار، اگر خمینی دیر بیاد، مسلسل‌ها بیرون میاد.^۲

رژیم وقتی موج بیکران یاران و دلباختگان امام را دید که برای استقبال از رهبر تبعیدی خود در آن سرمای زمستان و کمبود بنزین و نفت و وسایل نقلیه مشتاقانه به تهران آمده‌اند، بر شدت سرکوب در تهران و شهرستان‌ها افزود و در مناطق مختلف کشور دست به کشتار مردم بی‌گناه زد؛ به طوری که از روز فرار شاه تا امروز هزاران نفر از مردم کوچه و بازار در سراسر کشور به دست مأموران امنیتی و نظامی بختیار کشته و مجروح شده‌اند و عوامل رژیم شاه اموال زیادی از مردم را غارت کرده‌اند و مغازه‌های مردم را به آتش کشیده‌اند. این اخبار که پیایی به امام می‌رسید موجب نگرانی او از این وقایع

۱. مصاحبه مؤلف با نامبرده

۲. غلامرضا خارکوهی، *استان گلستان در نهضت / امام خمینی، قم، بنیاد شهید و امور ایثارگران / رازبان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳.*



سؤال خبرنگار فرانسوی: بعضی می گویند شما غرب را به لرزه درآورده اید. آیا ما غربی‌ها حق داریم از شما بترسیم؟ پاسخ حضرت امام: اما اینکه می گویند غرب به لرزه درآمده، اگر از این لحاظ است که ما مطلب حقی گفته‌ایم و بدین مناسبت قلب مردم غرب را به لرزه انداخته است، مایه ترس نیست؛ مایه امید است. غرب باید امیدوار باشد که ملتی برای گرفتن حق خود، این چنین قیام کرده است

ناگوار می‌شد. لذا امام طی سخنانی در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۵۷ اعلام کرد:

من هر چه مصیبت بر برادرهای ایرانی وارد بشود یا تحمل زحمت‌ها بکنند، این به منزله یک بار گرانی است که بر دوش من واقع می‌شود و من از عهده جواب آن نمی‌توانم برآیم. همین دو، سه روز، باز کشتارهایی در ایران واقع شده است که موجب تأثر ماست. و اهالی ایران،

از جاهای مختلف ایران [برای استقبال ما] به تهران آمدند و تحمل زحمت کردند، در این سرمای زمستان هجوم کردند طرف تهران. و این هم موجب تأثر من است؛ و تمام آنها یک باری است به دوش من که سنگینی می‌کند.

من از خدای تبارک و تعالی توفیق ملت ایران را و مردم ایران را خواستارم. من سلامت همه آنها را از خداوند تعالی خواستارم. من بنا داشتم که بروم پیش رفقای ایرانی و در صف آنها خدمت بکنم و میل داشتم که اگر آنها برایشان غمی وارد می‌شود من هم شریک باشم؛ اگر خدای نخواستہ خون آنها بریزد من هم با آنها شریک باشم؛ لکن دست خیانتکارها باز از آستین درآمد و به توهم اینکه اگر ما برویم به ایران، برای آنها مثلاً بد می‌شود یا برای ارباب‌ها، به نفع ارباب‌ها نیست، از رفتن‌ها و رفتن من ممانعت کردند و راه‌ها را بستند. و من ان شاء الله در فرصت اول، همان برنامه‌ای را که برای رفتن داشتم، دارم.

امام در همین سخنرانی ضمن اشاره به اینکه ما هم به تبعیت از نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - قیام کردیم تا این ملت محروم ایران را به کمال لایق خودش برسانیم و از گرفتاری نجات بدهیم، درباره ارتش گفتند:

ما می‌خواهیم ارتش را از این انگل بودن نجات بدهیم. ما از اول که مستشارهای امریکا آمدند و ارتش ما را در دست گرفتند، با این مخالف بودیم. ما از مصونیت دادن به اتباع امریکا [کاپیتولاسیون]

تنفر داشتیم و اظهار تنفر کردیم. ما می خواهیم این دولت ها را مستقل کنیم، راضی نمی شوند! ما می گوئیم شما خودتان مستقلاً در مملکت خودتان، در مقدرات مملکت خودتان باید دخالت داشته باشید، آنها می گویند ما می خواهیم نوکر باشیم! لفظاً نمی گویند، عملاً این طور است. ما می خواهیم ارتش را از این مستشارهای امریکایی و آقابالاسرها نجات بدهیم، این گردن کلفت های ارتش راضی نمی شوند به این امر، می خواهند زیر بار باشند.

امام در بخش دیگری از سخنانش به یادآوری برخی از ادعاهای دروغین شاه و خاندانش در رسانه ها پرداخت و اظهار داشت:

از اول ما مبتلای به ادعاها بودیم. زمانی که محمدرضاخان بود اینجا ادعاها پشت سر هم! رادیو فریاد می کرد و تلویزیون نمایش می داد و مطبوعات دنبالش. و هر وقت آدم روزنامه را باز می کرد، اولش اعلیحضرت آریامهر چه فرمودند، والا حضرت چه فرمودند، ملکه چه فرمود، شهبانو چه فرموده؛ هر وقت رادیو را باز می کردیم همین حرف بود؛ هر کس صحبت می خواست بکند باید همین حرف ها را بزند. خودشان هم دائماً از این حرف ها می زدند که مملکت را ما چه وضع کردیم، ما به «تمدن بزرگ» می خواهیم برسانیم، ما چه می خواهیم بکنیم، ما چه می خواهیم بکنیم. وقتی فوتش کردند و رفت! فهمیدیم که هیچ کاری نکرد؛ هیچ غلطی نکرده. شما دست روی هر یک از مظاهر تمدن بگذارید، خراب است و این [شاه] خرابش کرد. یادتان نرود محمدرضا را؛ همه بدبختی های شما مال این خبیث بود. این را یادتان نرود؛ ذکرش کنید. این طور نیست که حالایی که از ایران خارج شده، حالا شما دیگر بگویید گذشت، دیگر حرفش را ننزید؛ خیر این باید ذکرش زنده بماند... محمدرضاخان این جور می گفت - که اگر من نباشم تجزیه می شود مملکت! یک تکه اش را انگلیسی ها می برند، یک تکه اش را روس ها می برند، یک تکه اش را امریکایی ها می برند! ما آن وقت هم می گفتیم که آقا! تو که هستی این طوری است! تو برو این حرف ها نمی شود.





شاهنشاهی و ملی‌گرایی دوروی یک‌سکه

یکی از مهم‌ترین نکاتی که امام در این سخنرانی (۸ بهمن ۱۳۵۷) به آن پرداخت انتقاد به ملی‌گراها و مخالفان جمهوری اسلامی و مروجان جمهوری دموکراتیک بود. در این سخنرانی امام، نظام شاهنشاهی و ملی‌گرایی را دوروی یک‌سکه و هر دو را دشمن اسلام معرفی کرد و گفت:

تا حالا ما گرفتار لاف‌ها و گزاف‌های محمدرضاخان بودیم؛ به صورت شاهنشاهی و اعلیحضرتی آریامهری! حالا ما گرفتار «ملیت» و «آزادی» و این حرف‌ها هستیم. سر قبر دکتر مصدق برویم و -عرض کنم- از این حرف‌ها! ما نه آنها را باور کردیم، نه اینها را باور می‌کنیم. ما خوش‌باور نیستیم، چه کنیم!... یک [روز] اسمش شاهنشاهی می‌شود، یک روز ملیت و جمهوری دموکراتیک و این حرف‌ها. اینها با اسلام بد هستند، با جمهوری‌اش خوب‌اند! آن تکه دومش که جمهوری اسلامی است با این بد هستند. آنها دشمن اسلام‌اند. اگر نیستند، چرا وقتی برنامه‌تان را می‌دهید می‌گویید جمهوری دموکراتیک؟ اسلام چه گناهی کرده؟ اسلام به شما چه کرده؟ شما خوب نیستید با اسلام برای اینکه اسلام است که جلوی منافع شخصی را می‌گیرد، اسلام است که نمی‌گذارد این گردن‌کلفت‌ها زندگی اشرافی بکنند، یا زندگی آن طوری که دلشان می‌خواهد بکنند. اسلام تعدیل می‌کند. اسلام است که نمی‌گذارد اجانب بر مسلمین حکومت بکنند، اسلام است که جلوی ظلم را می‌گیرد، جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد.

امام سپس ضمن تأکید بر تشکیل حکومت جمهوری اسلامی در ایران، در ادامه همین سخنرانی خود فرمودند:

من در اول فرصتی که پیدا کنم به خواست خدا می‌روم ایران و اول قدمی که برمی‌دارم تأسیس می‌کنم یک دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلام، مبتنی بر رأی مردم. پیشنهاد می‌کنیم به مردم و رأی از آنها می‌گیریم و یک حکومت اسلامی تأسیس می‌کنیم... [اینکه بعضی‌ها می‌گویند] جمهوری اسلامی یک چیزی است که ما نمی‌فهمیم. اینها خودشان را به نفهمی می‌زنند! چرا نمی‌فهمید؟ جمهوری‌اش را که همه می‌دانید، یعنی رأی عمومی باید بگیرد. اسلامی‌اش هم

افشای جنایات دولت بختیار و گشایش فرودگاه

دوروز بعد یعنی در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۵۷ امام طی پیامی خطاب به ملت ایران به افشای جنایات دولت بختیار پرداخت و از مردم خواست به مبارزات خود ادامه دهند:

باز دست ناپاک خیانتکار عمال بیگانه از آستین نوکرهای محمدرضا پهلوی درآمد و ملت را به جرم آزادی خواهی و استقلال طلبی به عزا نشاند. تا دیروز محمدرضای خائن، ارتش را با آتش گشودن روی ملت و برادران و خواهران خود ننگین کرد، اکنون نوکر یا نوکران خائنش، این خدمت به استعمار را به عهده گرفتند. هر روز مواجه با یک دسته نیرنگ باز هستیم که می خواهند منافع اجنبی را تأمین کنند، اگر چه به کشتار هزاران نفر از این ملت رنج دیده شجاع بی انجامد. ملت دلیر با خون جوانان عزیز خود محمدرضا را از صحنه خارج کرد، لکن اجانب یک مهره دیگر [به نام شاپور بختیار] را با نقاب ملیت به صحنه آوردند... ملت عزیزم! دوستان من! نه به وعده های پوچ دولت های غیر قانونی اعتنا کنید و نه از هیاهوی دژخیمان بهراسید. نهضت مقدس را به پیش برانید و به آخر رسانید... خداوند با شماست. اکنون بر جمیع جناح های ملی و دولتی است که چون گذشته دولت غیر قانونی را محکوم کنند و اطاعت از آن نکنند که اطاعت طاغوت حرام و مخالف رضای خداست. من از طبقه شریف ارتش که دستشان به خون جوانان آلوده نشده است می خواهم که ننگ اطاعت از جنایتکاران را تحمل نکنند و با قاطعیت آنان را از مقابله با ملت بازدارند... من از کارمندان وزارتخانه ها می خواهم که زیر بار ننگ اطاعت از غاصبان حقوق ملت نروند، کمک به این یاغیان و اطاعت از آنان حرام و مخالف شرع و عقل است... من در اولین فرصت خودم را نزد شما می بینم تا در شادی و غم با شما سهیم باشم و با هم در صف واحد به اعمال عمال اجانب خاتمه دهیم.^۲

تجمع میلیون ها نفر از مردم شهرها و روستاهای کشور در تهران برای شرکت در

۱. صحیفه امام، همان، ص ۵۴۹-۵۴۳ (به صورت گزیده).

۲. همان، ج ۶، ص ۱-۲.





مراسم استقبال از امام و برخورد خشونت آمیز دولت بختیار با مردم تهران و شهرستان‌ها از یک سو، و تشدید مبارزات امام برای برکناری دولت بختیار و سقوط آخرین بقایای حکومت پهلوی از طرف دیگر، اوضاع سیاسی ایران را بسیار ملتهب کرده بود. در این میان امام خمینی در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۵۷ طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران مطبوعات و رادیو-تلویزیون‌های جهان ضمن تأکید بر غیر قانونی بودن و لزوم برکناری دولت بختیار، از امریکا و انگلیس به خاطر حمایت از بختیار انتقاد کرد. امام همچنین راجع به خطر کودتای نظامی توسط

عوامل رژیم شاه، با اشاره به کودتاهای سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ برای روی کار آوردن رضاخان و پسرش، خاطرنشان کرد ما از کودتای نظامی ترسی نداریم. ملت ایران به کودتاهای نظامی عادت کرده است.

در ادامه این مصاحبه امام ضمن بر ملا کردن توطئه‌های پشت پرده حامیان رژیم، مردم را به پایداری و تداوم مبارزه دعوت کرد و گفت من در کنار آنان تا آخرین نفس برای حفظ قوانین اسلام و مصالح مملکت به مبارزه خود ادامه می‌دهم.

سؤال: [آیا بختیار را قبل از استعفا خواهید پذیرفت؟]

پاسخ امام: من مکرر گفته‌ام که اصولاً شاه سابق قانونی نبود، مجلسین قانونی نیست، بختیار قانونی نیست. پس کسی را که قانونی نیست نخواهم پذیرفت. من به ملت ایران توصیه می‌کنم که در این وقت حساس درست بیدار باشند؛ متوجه باشند که توطئه‌ای باید در کار باشد. من می‌بینم که همان کسانی که از شاه سابق طرفداری می‌کردند حالا از بختیار پشتیبانی می‌کنند. هم دولت انگلستان و هم دولت امریکا از



او پشتیبانی می‌کنند. اگر این شخص ملی است - همان طور که خودش اظهار می‌کند - چرا آنها از او پشتیبانی می‌کنند؟ اگر ملی است چرا بدون مجوز قانونی و بر خلاف میل ملت، پست نخست‌وزیری را اشغال کرده است؟ اگر احترام به آرای عمومی می‌گذارد چرا کنار نمی‌رود؟

ملت ایران باید بداند که من در کنار آنان تا آخرین نفس برای حفظ قوانین اسلام و مصالح مملکت به مبارزه خود ادامه می‌دهم. و بر همه ملت واجب است تا در این امر پایداری کنند و سستی و سردی به خود راه ندهند. مطمئن باشید که ما پیروزیم و مطالب ما مطالب حق است و حق لاجرم پیروز است.

سؤال: [در صورتی که بختیار استعفا بدهد یا ندهد و کودتای نظامی بشود چه خواهید کرد؟]

پاسخ امام: ما از کودتای نظامی ترسی نداریم. ملت ایران به کودتاهای نظامی عادت کرده است. ما پنجاه سال است زیر بار کودتا هستیم: کودتای رضاخان، کودتای محمد رضا. ما با فشارهای اینها عادت کرده‌ایم. ما از کودتا هیچ ترسی نداریم. من تعجب می‌کنم که ما می‌خواهیم ارتشی را از شر استعمار خارج کنیم و آنها خودشان نمی‌خواهند بعضی از بلندرتبه‌ها می‌خواهند نوکر باشند. اصولاً ارتش با ما است. خلاصه ما از کودتای نظامی هیچ ترسی نداریم؛ برای اینکه ملت ایران مهیاست تا آخرین نفس به قیام و نهضت خود ادامه دهد. ملت ایران تا پیروزی نهایی را به دست نیاورد، دست از نهضت خود بر نمی‌دارد.

سؤال: [چرا تصمیم رفتن به ایران را به تأخیر انداختید؟]

پاسخ امام: تصمیم من همان طور که بوده است هست ولی دولت غیر قانونی، برای حفظ منافع اجانب، مانع ورود من به ایران شده است. و من در اولین فرصت به ایران خواهم رفت و حقوق ملت ایران را خواهم گرفت. آنهایی که به ملت ایران خیانت می‌کنند، باید کنار بروند. و من چون گذشته در تصمیم خود باقی هستم و ملت ایران باید در تصمیم خود باقی باشد. بر احدی از افراد ملت جایز نیست که در این موقع حساس که امر بین موت و حیات است بنشینند و ساکت باشد.

ملت ایران! به نهضت خود ادامه دهید که قدرت با شماست. از قدرت‌ها



نترسید. شما می‌توانید با قدرت ملی خود کشور خود را نجات دهید و سرنوشت خود را خودتان در دست بگیرید. به هیاهوی این و آن گوش ندهید. به توطئه‌های زیر پرده توجه کنید. خداوند شما را حفظ کند، ان‌شاءالله تعالی.^۱

هجوم مردم شهرها و روستاهای ایران به تهران جهت استقبال از امام به حدی افزایش یافت که کاسه صبر آنان پس از ده روز انتظار داشت لبریز می‌شد. بختیار احساس کرد که اگر بیش از این فرودگاه‌ها را بسته نگاه دارد ممکن است مردم به طور غیر قابل کنترل به سوی نخست‌وزیری و فرودگاه مهرآباد تهران هجوم آورند و دودمانش را بر باد دهند، نیروهای چریکی مسلمان نیز ممکن بود مسلحانه به گردان ارتشی مستقر در مهرآباد حمله نمایند. قیام مسلحانه عشایر نیز علیه دولت بختیار خطر دیگری بود که او را تهدید می‌کرد. لذا بختیار به ناچار بر اثر فشار مردم از داخل، و فشار سیاسی و تبلیغاتی امام از خارج، تسلیم شد و فرودگاه‌ها را به روی هواپیمای امام باز نمود و تانک‌ها و مسلسل‌ها، آنجا را ترک کردند. به این ترتیب حضرت امام اعلام کرد فردا ۱۲ بهمن به ایران می‌آید.

توأمانی اخلاق و مبارزه

اما حضرت امام که تنها یک رهبر سیاسی - مذهبی نبود، بلکه یک روحانی و استاد اخلاق و معنویت هم بود که سالیان سال شاگردانی ارزشمند تربیت کرده بود، روز قبل از حرکت به سوی ایران، در تاریخ ۱۱ بهمن سال ۵۷، پس از چهار ماه توقف پر حادثه در خاک فرانسه با انتشار پیامی، از مهمان‌نوازی دولت و ملت فرانسه تشکر کرد و حتی از همسایگان مسیحی خود نیز عذر خواست و نوشت: «از زحماتی که به همسایگان و اهالی نوفل‌لوشاتو دادم معذرت می‌خواهم.»

به راستی کدام رهبر بزرگ سیاسی در دنیا تاکنون از همسایگان بیگانه‌اش چنین خاضعانه دلجویی نموده است؟! این روح لطیف امام در واقع لایه پنهان شخصیت این مرد بزرگ تاریخ است. چنان که در همین روزها که اوج مبارزات سیاسی بین‌المللی او علیه بزرگ‌ترین شریک سیاسی امریکا و غرب و حتی شوروی و چین کمونیست است، یک جوان غیر مسلمان به نام پریدسی کوپیساز آلمان غربی برای امام کارت پستی می‌فرستند و می‌نویسد چون نامزد منم علاقه‌مند به جمع‌آوری دست‌خط بزرگان است و کلکسیون من از آنها را دارد، می‌خواهم برای سالروز تولدش - چهارم فوریه - دست‌خط شما

۱. همان، ص ۴.

را به عنوان هدیه به او بدهم تا خیلی خوشحال شود. «لذا از شما درخواست می‌کنم که لطفی در حق من کرده و چند جمله زیباروی کارت پستالی که (در پاکت نامه) برایتان گذاشته‌ام برای ایشان بفرستید.» در نتیجه امام بدون توجه به آن همه مشغله سیاسی و موقعیت حساس تاریخی و بین‌المللی که دارد، قلم برمی‌دارد و چند جمله پدرا نه و آموزنده برایش می‌نویسد:

بسمه تعالی

سعی کنید برای جامعه فرد مفیدی باشید.
سعی کنید تحت تأثیر قدرت‌های شیطانی واقع نشوید.
سعی کنید انسان متعهدی باشید.
ان شاء الله سلامت باشید.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی^۱

هیجان و اضطراب از پاریس تا تهران

هنوز ساعاتی به ورود هواپیمای امام باقی مانده و تب و تاب برنامه استقبال فضای ایران را احاطه کرده است. تهران حال و هوای دیگری دارد. در اوج سرمای زمستان بوی بهار ایمان و آزادی فضای کشور مخصوصاً پایتخت را پر کرده است. مردم به وجد آمده خیابان‌ها را داوطلبانه نظافت و شست‌وشو می‌کنند تا قدمگاه مهمان و رهبر عزیزشان پاکیزه باشد. فاصله سی و سه کیلومتری فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا ی تهران گلباران





سؤال خبرنگار فرانسوی: به چه دلیل دولت بختیار را غیر قانونی می‌دانید؟

پاسخ حضرت امام: بختیار را شاه نصب کرده است و مردم همه با شاه مخالف‌اند و او را عزل کرده‌اند، و در تظاهرات و راهپیمایی‌های مکرر این معنی را ثابت کرده‌اند. دولت قانونی باید از مردم و برای مردم باشد نه مخالف مردم

شده و همچون اتاق پذیرایی پاکیزه شده است. شعار دیوچو بیرون رود فرشته درآید طنین انداز است. هر کس می‌خواهد در نزدیک‌ترین مکان مسیر عبور امام قرار گیرد تا سیمای نورانی‌اش را پس از ۱۴ سال دوری و هجران غم‌بار ببیند و دستی برایش تکان دهد.

ستاد استقبال از امام با مدیریت یاران امام مخصوصاً شهید دکتر بهشتی و شهید استاد مطهری و دیگر اعضا برنامه‌ریزی دقیقی، هم برای امنیت امام و هم اداره مراسم فرودگاه، و هم مراسم سخنرانی امام در بهشت زهرا نموده‌اند. در این راستا تعداد زیادی از جوانان داوطلب با مدیریت ستاد استقبال، با بازوبندهای مشخص برقراری نظم و امنیت مراسم را بر عهده گرفته‌اند.

دولت بختیار به رغم حمایت‌های امریکا و اروپا، کاملاً مستأصل شده و هاج و واج مانده است؛ زیرا همه تلاش‌هایش برای مهار رهبری امام و کنترل مبارزات مردم بی‌نتیجه بوده، حتی کنترل سازمان‌های دولتی و بدنه ارتش نیز از دست او خارج شده است، لذا امیدهایش را بر باد رفته می‌بیند. با وجود این در شهرستان‌ها کشتار و بگیر و ببند همچنان ادامه دارد. از یک طرف مأموران حکومت نظامی و از طرف دیگر مأموران ژاندارمری، شهربانی، ساواک و چماقداران شاه‌دوست به جان و مال و زندگی و کسب و کار مردم تعرض می‌کنند و گاهی آنها را به گلوله می‌بندند و گاهی غارت می‌کنند یا به آتش می‌کشند.

اما همه نگاه‌ها به تهران و فرود هواپیمای امام خیره شده است. برخی نگران توطئه‌های پشت پرده بودند که مبادا هواپیمای امام را در آسمان منفجر نمایند، یا خدای نکرده اتفاق دیگری بیفتد. به همین خاطر در حالی که امام آماده پرواز به سوی ایران می‌شد همه عوامل داخلی و خارجی و به تعبیری «مه و خورشید و فلک» بسیج شده بودند تا او را از بازگشت به ایران در آن شرایط حساس سیاسی، امنیتی و بین‌المللی منصرف نمایند. کارتر رئیس‌جمهور امریکا و رؤسای کشورهای انگلیس و اروپا و فرانسه از یک‌سو، بختیار و سایر عوامل رژیم شاه از سوی دیگر، یاران امام در ایران و حتی افراد اقامتگاه امام در نوفل‌لوشاتو از طرف دیگر، همه به تکاپو افتاده بودند تا نظر امام را از این پرواز

به دنبال اقدام کینه توزانه بختیار در مسدود کردن فرودگاه‌ها، عده‌ای از روحانیون و مردم مبارز تهران و شهرستان‌ها با تجمع در مسجد دانشگاه تهران دست به تحصن اعتراض آمیز زدند و مردم تهران و شهرستان‌ها هم هر روز در خیابان‌ها به راهپیمایی می‌پرداختند و شعار می‌دادند: وای به حالت بختیار اگر خمینی دیر بیاد

منصرف نمایند. به قول حجت‌الاسلام علی‌اکبر محتشمی‌پور در آن مقطع خاص، همه در مورد بازگشت امام به ایران تجزیه و تحلیل می‌کردند و نظر می‌دادند که نباید حالا رفت. دشمن به شدت بر این مسئله اصرار داشت و متأسفانه تقریباً تمام دوستان نیز تحت تأثیر همین جو و تحلیل و استدلال‌ها بودند و اصرار داشتند که امام در این موقعیت نباید برگردد. امام فرمودند وقتی من دیدم دنیا دارد مخالفت می‌کند، فهمیدم که این راه، حق است. آن موقع همه ترسیده بودند. تمام

شخصیت‌ها در داخل کشور و همه یاران امام پیام می‌دادند که فعلاً صلاح نیست بیایید. علما و مجتهدین احساس خطر می‌کردند و حتی کسانی که از پاریس راه افتادند همه تحت تأثیر همین جو بودند و هیچ کدام امید نداشتند سالم به تهران برسند. امام با آن عزم فولادین تشخیص دادند، سوار هواپیما شدند، به ایران آمدند و پیروز هم شدند.^۱ مرحوم حاج احمد آقا خمینی - فرزند گرامی امام - می‌گوید:

هواپیمایی اجاره شد. بنا شد هر کسی پول [بلیت] خودش را بدهد. لذا امام کرایه خودشان و من را دادند. پلیس فرانسه برای حفظ امام از منزل تافروده‌گاه تدابیر امنیتی دیده بود.^۲

به گزارش خبرگزاری پارس:

هواپیمای حامل آیت‌الله خمینی مقداری بنزین اضافی زده بود تا اگر نتواند در تهران به زمین بنشیند بتواند راحت به پاریس برگردد. همراهان آیت‌الله گفتند به اصرار اِرفرانس عده مسافران هواپیما به ۵۰ مسافر و ۱۵۰ روزنامه‌نگار محدود شد تا جمبوجت امکان حمل بنزین بیشتری داشته باشد.^۳

هواپیما حدود ساعت ۱۱ شب ۱۲ بهمن ۵۷ از فرودگاه پاریس پرواز کرد، نزدیک ۱۶۰ نفر خبرنگار، عکاس و فیلم‌بردار همراه امام بودند. نماز شب را در طبقه دوم هواپیما به جا آوردند و نماز صبح به جماعت اقامه شد. شش ساعت پرواز طول کشید، تاریکی شب

۱. یاد یار، ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳/۳/۱۳۶۹، ص ۶۰.

۲. آئینه آفتاب، همان، ص ۱۲۱.

۳. اخبار خبرگزاری پارس ایران، تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۲.



همه جا را گرفته بود.^۱ به گفته مرحوم حجت‌الاسلام اسماعیل فردوسی‌پور: وقتی که هواپیما به فضای ایران رسید برای ما بعد از سالیان دراز، دیدن تهران بسیار جالب و شگفت‌انگیز بود، فرودگاه مهرآباد خلوت است، هیچ هواپیمایی دیده نمی‌شود. پرواز انقلاب به طرف باند رفت که بنشینند، ناگهان اوج گرفت و خلبان که فرانسوی بود به زبان فرانسه جملاتی گفت. کسانی که فرانسه نمی‌دانستند شاید ترسیدند و تصور کردند که اجازه فرود داده نشده است، ولی خلبان اعلان کرد که ستاد استقبال امام می‌گوید یک ربع ساعت دور بزن و سپس بنشین، ما هنوز آماده استقبال نیستیم. پس از ۱۵ دقیقه بار دیگر به سمت باند آمد و بر زمین تهران به سلامت نشست.^۲

این مراسم بی‌نظیر تاریخی آن روز از ابتدا تا انتها به صورت مستقیم از تلویزیون و رادیو مرکز تهران پخش می‌شد. البته پخش زنده مراسم استقبال و سخنان امام با میل و رضایت مدیران منصوب شاه نبود، بلکه این اقدام با فشار و فداکاری جوانان انقلابی شاغل



۱. همگام با خورشید؛ خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی‌پور، تهران، مجتمع فرهنگی - اجتماعی امام خمینی فردوس، بهمن ۱۳۷۲، ص ۵۰۸.
۲. همان، ص ۵۰۹-۵۰۸.

یکی از مهم ترین نکاتی که امام در این سخنرانی (۸ بهمن ۱۳۵۷) به آن پرداخت انتقاد به ملی گراها و مخالفان جمهوری اسلامی و مروجان جمهوری دمکراتیک بود. در این سخنرانی امام، نظام شاهنشاهی و ملی گرایی را دو روی یک سکه و هر دو را دشمن اسلام معرفی کرد

در صدا و سیما بود که بر مسئولان شاه دوست این رسانه فاسد تحمیل شد و گر نه سران رادیو و تلویزیون که بلندگوی محض رژیم شاهنشاهی بودند به هیچ وجه مایل به پخش زنده و گسترده مراسم بازگشت و سخنرانی امام نبودند.

بالاخره به لطف الهی با حضور خالصانه مردم مسلمان در صحنه، امام در ساعت ۹ و ۳۳ دقیقه صبح روز ۱۲ بهمن وارد ایران شد و پس از ۱۴ سال تبعید، پا به خاک میهن اسلامی گذاشت. در فرودگاه ابتدا آیت الله پسنندیده برادر حضرت امام و آیت الله شهید

مطهری و آیت الله طالقانی برای استقبال داخل هواپیما رفتند و بعد از آنها امام امت پیاده شدند، و به سوی سالن فرودگاه رفتند، در آنجا تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید و اجرای برنامه هایی کوتاه مثل خیر مقدم که توسط آیت الله شهید مرتضی مطهری قرائت شد و دکلمه یکی از فرزندان شهدا، سرود معروف «خمینی ای امام، خمینی ای امام، ای مجاهد ای مظهر شرف، ای گذشته ز جان در ره هدف، چون نجات انسان شعار توست، مرگ در راه حق افتخار توست...» اجرا شد.

سپس حضرت امام در اینجا سخنان کوتاه ولی مهمی بیان کردند. بخش اول این سخنرانی امام که از نظر روانشناسی اجتماعی و مردم شناسی سیاسی بسیار مهم بود تشکر ایشان از قشرهای مختلف با ذکر نام آنان بود. امام ابتدا از عواطف طبقات مختلف ملت تشکر نمود و گفت: «عواطف ملت ایران به دوش من بار گرانی است که نمی توانم جبران کنم.»

سپس از طبقه روحانیون که در قضایای گذشته جانفشانی کردند، از دانشجویان که در این مسائل مصایب دیدند، از بازرگانان و کسبه که به زحمت افتادند، از جوانان بازار و دانشگاه و حوزه های علمیه که در این راه خون دادند، از اساتید دانشگاه، از دادگستری، قضات دادگستری، و کلای دادگستری، از همه طبقات، از کارمندان، کارگران، دهقانان، و از همه طبقات ملت تشکر نمودند.

امام در بخش دوم سخنانش ضمن تأکید بر وحدت قشرهای مختلف مردم به عنوان رمز پیروزی برای ادامه مبارزه تا سقوط کامل نظام شاهنشاهی، به ذکر برخی از جنایات شاه به عنوان خائن اصلی و عامل اصلی بدبختی کشور پرداخت و یادآور شد که بعد



امام در سخنرانی ۸ بهمن ۱۳۵۷، ضمن تأکید بر تشکیل حکومت جمهوری اسلامی در ایران، فرمودند: من در اول فرصتی که پیدا کنم به خواست خدا می روم ایران و اول قدمی که برمی دارم تأسیس می کنم یک دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلام، مبتنی بر رأی مردم

از پنجاه سال خیانت سلسله پهلوی و بعد از سی و چند سال جنایات و خیانات این شخص خائن، که مملکت ما را به عقب رانده، فرهنگش را فرهنگ استعماری کرده، زراعتش را، و خزاینش را به باد فنا داده، مملکت را ویران کرده، و ارتش را تابع مستشاران خارجی کرده، با وجود این باز به خیال خامش دنبال بازگشت به قدرت است. لذا پیروزی ما وقتی است که دست اجانب از مملکتمان کوتاه شود و تمام ریشه‌های رژیم سلطنت از این مرز و بوم

کنده شود و همه آنها از اریکه قدرت بیرون رانده شوند.^۱

مرحوم حاج احمد آقا خمینی - فرزند گرامی امام - می گوید:

امام را بعد از صحبت در مهرآباد نمی گذاشتند به بهشت زهرا بروند. می گفتند خطرناک است. آیت الله منتظری و مرحوم آیت الله طالقانی از امام خواستند تا یک سره به منزل بروند. مرحوم دکتر بهشتی هم با رفتن امام موافق نبود. وقتی خوب حرف‌هایشان را زدند، امام رو کردند به من و گفتند ماشین کجاست؟ من قول داده‌ام به بهشت زهرا بروم و رفتیم.^۲

سپس حضرت امام در میان شور و شوق بی نظیر مردم ایران با ماشین راهی بهشت



۱. صحیفه امام، همان، ص ۹-۸.

۲. آئینه آفتاب، همان، ص ۱۲۱.

امام راجع به خطر کودتای نظامی توسط عوامل رژیم شاه، با اشاره به کودتاهای سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ برای روی کار آوردن رضاخان و پسرش، خاطر نشان کرد ما از کودتای نظامی ترسی نداریم. ملت ایران به کودتاهای نظامی عادت کرده است

زهرها شد. اما در آستانه بهشت زهرا از دحام جمعیت مانع از ادامه مسیر با ماشین گردید. لذا طولانی شدن مراسم در آن هوای زمستانی، هم برای مردم خسته کننده می‌شد و هم برای سلامتی امام که در سنین بالا بود خطر داشت. با وجود آنکه چند هزار جوان مسلمان با هماهنگی ستاد استقبال مسئولیت برقراری نظم و امنیت آن روز را بر عهده داشتند اما از دحام فوق العاده جمعیت مشتاق امام

به هیچ طریقی قابل کنترل و مدیریت نبود. لذا امام پس از چند ساعت معطلی در مسیر جمعیت، و عدم توانایی ماشین بلیزر برای ادامه مسیر، به ناچار با هلی کوپتر نیروی هوایی - نیرویی که زودتر از همه به انقلاب اسلامی اظهار همبستگی کرد - آمدند و امام را سوار کردند و به محل بهشت زهرا در تهران منتقل نمودند. گرچه در آنجا نیز به خاطر ازدحام جمعیت فرود هلی کوپتر دچار مشکل شد، ولی با همکاری جوانان منتخب ستاد استقبال و بزرگان انقلاب، با هر زحمتی بود هلی کوپتر بر زمین نشست و امام وارد مزار شهیدان شد و در جایگاه قرار گرفت و به سخنرانی تاریخی خود پرداخت.

سخنان حضرت امام در بهشت زهرا، مهم ترین و سیاسی ترین سخنرانی ایشان بعد از سخنرانی وی علیه کاپیتولاسیون در آبان سال ۴۳ می‌باشد، امام در بهشت زهرا نکات بسیار مهمی را به صورت مستدل و منطقی و حقوقی بیان کردند که در تاریخ نطق‌های سیاسی رهبران انقلابی جهان بی نظیر است و در چند بخش قابل تجزیه و تحلیل می‌باشد. این شیوه بیان امام می‌تواند الگوی رهبران جنبش‌های آزادیخواه جهان، علیه رژیم‌های دیکتاتوری نیز قرار گیرد.

این سخنان شامل چند بخش است. بخش اول آن جنبه عاطفی دارد که اظهار همدردی با آسیب دیدگان و مصیبت زده‌ها به ویژه خانواده‌های شهداست:

ما در این مدت مصیبت‌ها دیدیم؛ مصیبت‌های بسیار بزرگ. و بعضی پیروزی‌ها حاصل شد که البته آن هم بزرگ بود. مصیبت‌های زن‌های جوان مرده، مردهای اولاد از دست داده، طفل‌های پدر از دست داده. من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خودشان را از دست داده‌اند می‌افتد، سنگینی در دوشم پیدا می‌شود که نمی‌توانم تاب بیاورم. من نمی‌توانم از عهده این خسارات که بر ملت ما وارد شده است برآیم. من





نمی‌توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیز خودش را در راه خدا داد. خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید. من به مادرهای فرزند از دست داده تسلیت عرض می‌کنم و در غم آنها شریک هستم. من به پدرهای جوان داده، من به آنها تسلیت عرض می‌کنم. من به جوان‌هایی که پدرانشان را در این مدت از دست داده‌اند تسلیت عرض می‌کنم.

بخش دوم سخنان امام جنبه حقوقی و استدلالی داشت که به زبانی ساده و قابل درک برای عموم مردم، غیر قانونی و غیر عقلی بودن حکومت پهلوی را اثبات و تشریح نمود. چون در آن سال‌ها به علت بی‌توجهی رژیم شاه اکثریت مردم از نظر علمی کم‌سواد یا بی‌سواد بودند، لذا این سخنان با ادبیاتی قابل فهم برای چنین اکثریتی بیان شد؛ زیرا علاوه بر حاضران در آنجا، جمع کثیری نیز در شهرها و روستاهای دورافتاده ایران این سخنرانی را به طور مستقیم و زنده از تلویزیون و رادیو تهران گوش می‌کردند:

این سلطنت پهلوی از اول که پایه‌گذاری شد بر خلاف قوانین بود. آنهایی که در سن من هستند می‌دانند و دیده‌اند که مجلس مؤسسان که تأسیس شد، با سرنیزه تأسیس شد. ملت هیچ دخالت نداشت در مجلس مؤسسان. مجلس مؤسسان را با زور سرنیزه تأسیس کردند، و با زور و کلای آن را وادار کردند به اینکه به رضاشاه رأی [برای] سلطنت بدهند. پس این سلطنت [پهلوی] از اول یک امر باطلی بود؛ بلکه اصل

رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است.

برای اینکه ما فرض می‌کنیم که یک ملتی تمامشان رأی دادند که یک نفر سلطان باشد؛ بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، رأی آنها برای آنها قابل عمل است. لکن اگر یک ملتی رأی دادند - ولو تمامشان - به اینکه اعقاب این سلطان هم سلطان باشد، این به چه حقی [است؟ مگر] ملت پنجاه سال پیش از این، سرنوشت ملت بعد را معین می‌کند؟ سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق - فرض بفرمایید که زمان اول قاجاریه - نبودیم؛ اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه یک رفراندومی تحقق پیدا کرد و همه ملت هم - ما فرض کنیم که - رأی مثبت دادند، اما رأی مثبت دادند بر آغامحمدخان قجر و آن سلاطینی که بعدها می‌آیند؛ در زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمدشاه بود، هیچ یک از ما زمان آغامحمدخان را ادراک نکرده؛ آن اجداد ما که رأی دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رأی دادند که زمان ما احمدشاه سلطان باشد؟ سرنوشت هر ملت دست خودش است.

ملت در صد سال پیش از این، صد و پنجاه سال پیش از این ملتی بوده، یک سرنوشتی داشته است و اختیاری داشته، ولی او اختیار ما را نداشته است که سلطانی را بر ما [در امروز] مسلط کند. ما فرض می‌کنیم که این سلطنت پهلوی، اول که تأسیس شد... به اختیار مردم بود و مجلس مؤسسان را هم به اختیار مردم تأسیس کردند، این اسباب این می‌شود که - بر فرض اینکه این امر باطل صحیح باشد - فقط رضاخان سلطان باشد؛ آن هم بر آن اشخاصی که در آن زمان بودند.

و اما [چرا بعد از او] محمدرضا سلطان باشد بر این جمعیتی که الان بیشترشان... ادراک آن وقت را نکرده‌اند؟ چه حقی داشتند ملت در آن زمان سرنوشت ما را در این زمان معین کنند؟ بنابر این سلطنت محمدرضا اولاً که چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود و با زور و با سرنیزه تأسیس شده بود، [و] مجلس [مؤسسان آنها هم] غیر قانونی





است، پس سلطنت محمدرضا هم غیر قانونی است... این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا سلطنت قانونی نیست.

علاوه بر این، این سلطنتی که در آن وقت درست کرده بودند و مجلس مؤسسان هم ما فرض کنیم که صحیح بوده است، این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باید باشد، در این زمان می‌گوید که ما نمی‌خواهیم این سلطان را. وقتی که اینها رأی دادند به اینکه ما سلطنت رضاشاه را، سلطنت محمدرضا شاه را، رژیم سلطنتی را نمی‌خواهیم، سرنوشت اینها [یعنی مردم این دوره] با خودشان است. این هم یک راه است از برای اینکه سلطنت او باطل است.

بخش دیگری از سخنان استدلالی و حقوقی حضرت امام در آنجا مربوط به دولت‌ها و نخست‌وزیران و کابینه‌های آنها از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ است. از نظر امام چون اساس سلطنت رضاشاه و پسرش غیر قانونی است، دولت‌های منصوب آنها هم غیر قانونی و غیر عقلانی است. لذا دولت بختیار هم چون توسط محمدرضا شاه منصوب شده غیر قانونی می‌باشد و باید کنار برود:

حالا می‌آییم سراغ دولت‌هایی که ناشی شده از سلطنت محمدرضا و مجلس‌هایی که ما داریم... دولتی که ناشی می‌شود از یک شاهی که خودش و پدرش غیر قانونی است، خودش علاوه بر او غیر قانونی است، و کلابی که تعیین کرده است غیر قانونی است، دولتی که از همچو مجلسی و همچو سلطانی انشا بشود، این دولت غیر قانونی است... آیا کسی که خودش از ناحیه مجلس، از ناحیه مجلس سنا، از ناحیه شاه منصوب است، و همه آنها غیر قانونی هستند، می‌شود که قانونی باشد؟ ما می‌گوییم که شما غیر قانونی هستید باید بروید... بنابراین آیا ملتی که فریاد می‌کند که ما این دولتمان، این شاهمان، این مجلسمان بر خلاف قوانین است، و حق شرعی و حق قانونی و حق بشری ما این است که سرنوشتمان دست خودمان باشد، آیا حق این ملت این است که یک قبرستان شهید برای ما درست بکنند در تهران، یک قبرستان هم در جاهای دیگر؟^۱

بخش سوم سخنان استدلالی امام جنبه توصیفی-انتقادی دارد که درباره عملکرد و

اقدامات اجرایی حکومت شاه در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و وابسته کردن کشور به خارج و نیز گسترش فساد و فحشا در ایران است، که امام به خاطر آشنایی عمیق با شرایط ایران و مشاهدات عینی و مطالعات مستند از تاریخ و حوادث ۵۷ سال حکومت پهلوی، در این سخنرانی به طور مختصر، برخی از اقدامات غلط شاه و پدرش را نقد و توصیف نموده است:

محمدرضای پهلوی، این خائن خبیث... فرار کرد و همه چیز ما را به باد داد. مملکت ما را خراب کرد، قبرستان‌های ما را آباد کرد. مملکت ما را از ناحیه اقتصاد خراب کرد. تمام اقتصاد ما الان خراب است و از هم ریخته است؛ که اگر بخواهیم ما این اقتصاد را به حال اول برگردانیم، سال‌های طولانی با همت همه مردم [باید تلاش کنیم]... شما ملاحظه کنید به اسم اینکه ما می‌خواهیم زراعت را، دهقان‌ها را دهقان کنیم، تا حالا رعیت بودند و ما می‌خواهیم حالا دهقان‌شان کنیم! «اصلاحات ارضی» درست کردند. اصلاحات ارضی‌شان بعد از این مدت طولانی به اینجا منتهی شد که به کلی دهقانی از بین رفت، به کلی زراعت ما از بین رفت، و الان شما در همه چیز محتاجید به خارج. یعنی محمدرضا این کار را کرد تا بازار درست کند از برای امریکا، و ما محتاج به او باشیم، در اینکه گندم از او بیاوریم، برنج از او بیاوریم، همه چیز را [از آنجا وارد کنیم]. تخم‌مرغ از او بیاوریم، یا از اسرائیل که دست‌نشانده امریکا است بیاوریم... [محمدرضا] فرهنگ ما را یک فرهنگ عقب‌نگه‌داشته درست کرده است... به طوری که الان جوان‌های ما تحصیلاتشان در اینجا تحصیلات تام تمام نیست و باید بعد از اینکه یک مدتی در اینجا یک نیمه تحصیلی کردند، آن هم با این مصیبت‌ها، آن هم با این [فشار]‌ها، باید بروند در خارج تحصیل بکنند. ما پنجاه سال است، بیشتر از پنجاه سال است دانشگاه داریم و قریب سی و چند سال است که این دانشگاه را داریم؛ لکن چون خیانت شده است به ما، از این جهت رشد نکرده؛ رشد انسانی ندارد. تمام انسان‌ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است این آدم. این آدم به واسطه نوکری که داشته، مراکز فحشا درست کرده.





تلویزیونش مرکز فحشاست، رادیوش - بسیاری اش - فحشاست... در تهران مرکز مشروب‌فروشی بیشتر از کتاب‌فروشی است، مراکز فساد دیگر الی ماشاءالله است. برای چه؟... ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پایش را در شرق گذاشت - خصوصاً در ایران - مرکز [عظیمی] که باید از آن استفاده تمدن بکنند ما را به توحش کشانده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد؛ و شما می‌دانید که جوان‌های ما را اینها به تباهی کشیده‌اند. و همین‌طور سایر این [مراکز]. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها به همه معنا خیانت کرده‌اند به مملکت ما.

و اما نفت ما. تمام نفت ما را به غیر دادند! به امریکا و غیر از امریکا دادند. آنی که به امریکا دادند [در] عوض چه گرفتند؟ عوض، یک اسلحه‌هایی برای پایگاه درست کردن برای آقای امریکا! ما هم نفت دادیم و هم پایگاه برای آنها درست کردیم!... اگر چند سال دیگر - خدای نخواست - این [شخص]... عمر سلطنتی پیدا کرده بود، مخازن نفت ما را تمام کرده بود، زراعتمان را هم که تمام کرده، این ملت به کلی ساقط شده بود و باید عملگی کند برای اغیار.

ما که فریاد می‌کنیم از دست این [شخص]، برای این است. خون‌های جوان‌های ما برای این جهات ریخته شده؛ برای اینکه آزادی می‌خواهیم ما. ما پنجاه سال است که در اختناق به سر بردیم. نه مطبوعات داشتیم، نه رادیو صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم؛ نه خطیب می‌توانست حرف بزند، نه اهل منبر می‌توانستند حرف بزنند، نه امام جماعت می‌توانست آزاد کار خودش را ادامه بدهد؛ نه هیچ یک از اقشار ملت کارشان را می‌توانستند ادامه بدهند.

پس از استدلال منطقی امام مبنی بر غیر قانونی بودن رژیم پهلوی و دولت‌های منصوبش به ویژه آخرین آنها که دولت بختیار بود، امام در بخش چهارم سخنرانی اش -

که چند جمله کوتاه بود- با شدت تمام وعده معرفی «دولت موقت انقلاب» را داد. مخصوصاً این قسمت از سخنانش که گفت من تو دهن دولت بختیار می‌زنم و خود با پشتیبانی ملت دولت تعیین می‌کنم، آنقدر برای مردم ایران و رسانه‌های جهان مهم و جذاب بود که ورد زبان آنها شد:

من تو دهن این دولت [بختیار] می‌زنم!... من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم!... این آقا [یعنی بختیار] که خودش هم خودش را قبول ندارد!

رفقایش هم قبولش ندارند، ملت هم قبولش ندارد، ارتش هم قبولش ندارد؛ فقط امریکا از این پشتیبانی کرده و [ژنرال هایزر را به ایران] فرستاده، به ارتش دستور داده که از این پشتیبانی بکنید؛ انگلیس هم از این پشتیبانی کرده و گفته است که باید از این پشتیبانی بکنید. یک نفر آدمی که نه ملت قبولش دارد، نه هیچ یک از طبقات ملت [باید کنار برود]... [بختیار] می‌گوید که در یک مملکت که دو تا دولت نمی‌شود! خوب، واضح است این؛ یک مملکت دو تا دولت ندارد لکن دولت غیر قانونی باید برود. تو غیر قانونی هستی! دولتی که ما می‌گوییم، دولتی است که متکی به آرای ملت است؛ متکی به حکم خداست. تو باید یا خدا را انکار کنی یا ملت را!

در ادامه این بخش امام تأکید نمود که ما تا هستیم نمی‌گذاریم اینها دوباره سلطه پیدا کنند و نخواهیم گذاشت که محمدرضا به حکومت برگردد و دوباره ما را گرفتار اختناق کند و همه هستی ما به کام امریکا ببرد.

آخرین بخش سخنرانی امام در بهشت زهرا درباره ارتش بود. امام ضمن تشکر و تمجید از آن دسته نظامیان اعم از درجه‌دارها، همافرها، و افسرهای نیروی هوایی که به ملت پیوستند و «آبروی خودشان را، آبروی کشورشان را، آبروی ملتشان را، اینها حفظ

سخنان حضرت امام در بهشت زهرا، مهم‌ترین و سیاسی‌ترین سخنرانی ایشان بعد از سخنرانی وی علیه کاپیتولاسیون در آبان سال ۴۳ می‌باشد، امام در بهشت زهرا نکات بسیار مهمی را به صورت مستدل و منطقی و حقوقی بیان کردند که در تاریخ نطق‌های سیاسی رهبران انقلابی جهان بی‌نظیر است و در چند بخش قابل تجزیه و تحلیل می‌باشد. این شیوه بیان امام می‌تواند الگوی رهبران جنبش‌های آزادیخواه جهان، علیه رژیم‌های دیکتاتوری نیز قرار گیرد



کردند»، با سایر سران و فرماندهان ارتش شاهنشاهی اتمام حجت کرد که:

ما داریم زحمت می‌کشیم، خون دادیم، جوان دادیم، حیثیت و آبرو دادیم، مشایخ ما حبس رفتند، زجر کشیدند، می‌خواهیم که ارتش ما مستقل باشد. آقای ارتشبد، شما نمی‌خواهید؟ آقای سرلشکر، شما نمی‌خواهید مستقل باشید؟ شما می‌خواهید نوکر باشید؟! من به شما نصیحت می‌کنم که بیایید در آغوش ملت؛ و همان که ملت می‌گوید بگویید. بگویید ما باید مستقل باشیم. ملت می‌گوید ارتش باید مستقل باشد، ارتش نباید زیر فرمان مستشارهای امریکا و اجنبی باشد... ما که این حرف را می‌زنیم که ارتش باید مستقل باشد، جزای ما این است که توی خیابان، خون جوان‌های ما را بریزید؟!^۱

آن روزها بازگشت امام در سراسر کشور حال و هوای خاصی داشت؛ به ویژه برای آنها که دلشان می‌خواست در آن لحظات در تهران باشند، آن لحظات بوی بهار پیروزی می‌داد و نسیم آزادی و استقلال را به ارمغان می‌آورد. بسیاری از مردم سراسر کشور که به علت سرما و کمبود وسایل نقلیه و کمبود بنزین نتوانستند در مراسم تهران حاضر شوند، گزارش بازگشت حضرت امام را به طور مستقیم از تلویزیون و رادیو می‌دیدند و می‌شنیدند، و غرق در شادی و شغف می‌شدند. مردم چراغ‌های ماشین خود را روشن می‌کردند و بوق بوق زنان و شادی کنان در خیابان‌ها می‌گشتند و به هم تبریک می‌گفتند و نقل، گل و شیرینی توزیع می‌کردند.

در این میان با یورش نظامیان شاه به صدا و سیمای تهران، برنامه پخش مستقیم مراسم قطع شد که موجی از عصبانیت و ناراحتی را در میان مشتاقان امام به وجود آورد. این اقدام دژخیمان نه تنها چیزی از عشق مردم به حضرت امام نکاست، بلکه با آمدنش نور امید در دل‌های ملت ستم‌دیده تابیدن گرفت.

واقعیت این است که استقبال عظیم مردم از امام در واقع یک فرایند طبیعی بود که به نفع حضرت امام و علیه رژیم طاغوت صورت گرفت و همه سرکردگان رژیم شاه را سر جای شان نشانده، و نشان داد که مردم طرفدار چه کسی هستند و چه می‌خواهند؟ استقبال بی‌نظیری که با شرکت میلیون‌ها نفر انجام شد. آن روز خیلی عجیب بود. چون همه در داخل و خارج از کشور فهمیدند که مردم امام را می‌خواهند و با او هستند و نظام

۱. صحیفه/امام، همان، ص ۱۸-۱۴ (به صورت گزیده و تلخیص).

شاهنشاهی را قبول ندارند.^۱

لذا بازگشت امام خمینی به کشور علاوه بر آنکه موجی از خوشحالی و نشاط انقلابی را در میان مردم بیشتر کرد، موجب گسترش دامنه مبارزات و راهپیمایی‌ها، در نقاط مختلف ایران نیز شد. به طوری که برپایی تظاهرات و مجالس انقلابی علیه رژیم پهلوی هر روز بیش از گذشته در روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ متداول شد و روند مبارزات امام با حمایت وسیع مردم هر روز بیش از پیش ارکان باقیمانده حکومت پهلوی به ویژه دولت بختیار را فرو می‌ریخت. چنانکه ده روز بعد حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و حکومت ۵۷ ساله پهلوی برای همیشه متلاشی شد و دوران تازه‌ای در تاریخ به نام «دوران انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام خمینی» آغاز گشت که وابسته به هیچ یک از قدرت‌های استکباری غرب و شرق نبود و ملت مسلمان تحت تعالیم آموزه‌های دینی قرآن و اهل بیت (س) بارأی آزادانه خود سرنوشت خود را به دست گرفتند.



۱. غلامرضا خارکوهی، استان گلستان در انقلاب اسلامی، تهران، عروج، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۷۰۵.